

همدم

فصلنامه فرهنگی، هنری، آموزشی، اطلاع‌رسانی
موسسه‌ی خیریه‌ی توانبخشی همدم (فتح‌المبین)

زمستان ۱۳۹۶

۲۶



دست گرمت را که دارم بر سرم
میتوانم از زمستان بگذرم



ر م ح

ای واقف اسرار ضمیر همه کس
در حالت عجز دستگیر همه کس

یارب تو مرا توبه ده و عذر پذیر
ای توبه ده و عذر پذیر همه کس

شیخ ابوسعید ابولخیر

همدم

فصلنامه فرهنگی، هنری، آموزشی، اطلاع‌رسانی

موسسه‌ی خیریه‌ی توانبخشی همدم (فتح المبین)

شماره ثبت: ۷۳۳۱۹ | شماره بیست و ششم | زمستان ۱۳۹۶



صاحب‌امتیاز:

موسسه خیریه توانبخشی همدم - فتح المبین

مدیر مسؤول: دکتر زهرا حجت

مسؤول شورای سیاست‌گذاری: جعفر شیرازی‌نیا

سر دبیر و ویراستار: علیرضا سپاهی لاتین

همکاران این شماره:

هیئت تحریریه: عباس‌علی سپاهی یونسی

صدیقه بختیاری، مژگان همایونی

اعظم منعمی‌زاده، محبوبه همایونی، دکتر شمس

مترجم: مریم توفیقی، رویا صالحی

گرافیک، صفحه‌آرایی و نظارت چاپ: سید ایمان سجادی

تصویرگران: سوده شیدا، راحله کریم‌بخش

عکس: فرشته کاملان، کامران رحمتیان، مهران کریمان

اعظم منعمی‌زاده، شهرام قبادی، سعید حسین زاده

سعید احمدی، زهرا ناقل و آرشیو روابط عمومی

لبتوگرافی: با تشکر از دیجیتال گویا اسکرن (مشارکتی)

چاپ: چاپخانه قرآن کریم (مشارکتی)



طرح جلد: اعظم منعمی‌زاده

۳ سخن‌مدیر مسؤول | به مناسبت روز جهانی معلولین
زندگی در مثلث امید، شادی و انگیزه

۴ یادداشت سردبیر | و ناگهان، مردم می‌درخشند...

۶ معرفی واحدهای موسسه | جایی برای دیدار با روان...

۸ شوری برای هنر و شبی برای همدم
یادداشت شبی که آسمان همدم ستاره‌باران هنرمندان و ادبا شد

۱۴ بابک، انگیزه‌ای که خیریه‌ای را شکل داده‌است؛
این عرش نشینان تربتی...

۱۶ از زندگی دختران همدم | کلبه‌ای که از هم فروپاشید!
زندگی یکی از دختران «همدم» با نام مستعار «بهار»؛

۱۸ معلول را به جامعه بسپاریم، نه مراکز!
ساعتی هم‌صحبتی با دکتر حمیدرضا پوریوسف (مدیر کل بهزیستی خراسان رضوی)

۲۱ خبرهای خوب این خانه

۳۴ گزارش ویژه | زلزله‌ای در غرب و زلزله‌ای در قلب...

۳۶ یک نفس زندگی | سیاه کوچکم، بخوان

۴۳ چند لحظه علمی و آموزشی

۴۴ نگاهی به؛ دلایل و درمان ناتوانی‌های کودکان در یادگیری؛
لزوم دنبال کردن عادت‌های خوب

۴۶ کنکاشی پیرامون یکی از امراض جهان متمدن؛
نوموفوبیا، اضطراب جدایی از موبایل!

۵۰ نقاشی؛ عمل پیوند اندیشه به احساس!
نقاشی در کودکان کم‌توان ذهنی بسیار مهم است

۵۳ اتفاقی از قضا و انتظاری از قضا
بررسی پرونده‌ی بنیتا از منظر حقوق جزا

۵۶ یک نفس زندگی | مترسک نابلد!

۵۷ ماجان، ماهی در آسمان معلولیت
نگاهی به فیلم ماجان - ساخته‌ی رحمان سیفی آزاد

۵۸ نوعی نگارش در امین آباد
نگاهی به کتاب: «امین آباد شعبه‌ی دیگری ندارد»، از غزال نوعی

۶۰ من توانستم، پس می‌توانم...
یادداشت صعود به قلعه‌ی دماوند

۶۲ جدول همدم؛ شماره‌ی ۱

۶۳ معرفی کوتاه مؤسسه

۶۵ مقاله انگلیسی | Diagnosis



سخن مدیر مسؤول |

به مناسبت روز جهانی معلولین

زندگی در مثلث امید، شادی و انگیزه

دکتر زهرا حجت

بهرم که در و دیوار آن گواهی از مهربانی و یکرنگی و یگانگی می‌دهد. عشق‌های خالصانه را جایی بیابم که وقتی مهری را نثار می‌کنند می‌دانی که از عمق جانشان است و وقتی لبخندی را بر لبهایشان می‌نشانی می‌دانی که هرگز از آن لبخند بی‌مهری نخواهی دید.

من این توفیق را دارم که؛ هر صبح وارد سرزمین زیبای همدم می‌شوم؛ جایی که پناهگاه فرزندان بی‌سرپرست و دختران معلول ذهنی است و هر روز باید به گلهای این باغ، امید به زیستن داد و یادآوری کرد که از نگاهتان ای کاش ما را به خوبی می‌خوانیم و با تمام نیرو سعی در برآورده کردن نیازهای مادی و معنویتان داریم. فرزندان همدم می‌دانند که با تکیه بر توانمندی‌هایشان و با مشارکت و دیده شدن در امور اجتماعی می‌توانند در مدار هستی نقشی روشن و ماندگار را ایفا کنند. ما خوشحالیم که با افتخار، چهارصد فرزند این مجموعه را به یاری شما زیبا بینان و نیکانندیشان جامعه، به این باور رسانده‌ایم که؛ معلول آن است که از خلق لحظه‌های زیبا، عاطفه‌ها و مهر جاودان، باز می‌ماند.

همه با هم دست در دست یکدیگر و با نگاهی ناب، می‌توانند بودن معلولان تمام دنیا را باور کنیم و بر دل‌تنگی آبی آسمانشان رنگی از لبخند بنسیم و ثابت کنیم در دنیای پر هیاهوی امروز، در ابدیتی که دنیا برای معلولان ساخته‌است، پایه پای آنان پیش می‌رویم و الفبای توانمندی را در کنار معلولیت‌شان هجی خواهیم کرد...

تقویم روی میز مناسبت‌های گوناگونی را یادآوری می‌کند. هر روز، نشان از نشانی خاص است و یادآور مهم‌های زندگی. مهم‌هایی که بودنشان لازم است و ضرورتی برای تامین نیازهای جامعه‌ای پویا. برگه‌های تقویم عمری را که گاه به شتاب و گاه آهسته می‌گذرد، به آرامی ورق می‌زنم و به دوازدهم آذر می‌رسم!

آیا همزمانی «روز جهانی معلولین» با آستانه‌ی فصل سرد، نشانه‌ی آغاز زمستان زندگی و روزگار فرسودگی و افسردگی گروه زیادی از جاماندگان کاروان سلامت نیست؟ باور «ما» می‌گوید که خیر! نیست!

دوازدهم آذر ماه هر سال، میعاد مردمان سراسر جهان با بوستان‌هایی است که مصداق معجزه‌ی شکفتن در زمستان و به بار نشستن توانمندی انسان‌هایی است که ریشه وجودی‌شان از «امید»، «شادی» و «انگیزه» آبیاری می‌شود. این است که دوازدهم آذر ماه برای ما، یادآور یکم فروردین نیز هست... و لذت بزرگی است حضور در میان نوازندگان این سمفونی سراسر شکوه و افتخار. سرنوشتی زیبا که تجربه‌ی یگانه ما را می‌سازد و هر روز ما را بی‌هیچ بهانه و واسطه‌ای در محضر پروردگار قرار می‌دهد. بنابراین، به سهم خود، خدا را سپاس می‌گویم که بخش عمده‌ای از زندگی‌ما را به گونه‌ای قرار داد که هر روز با معلولین همراه باشیم و پایه پایشان قدم بردارم. از هیاهوی دنیایی که بر مدار کشمکش و تضاد می‌گردد، به جایی پناه

وناگهان، مردم می درخشند...

علیرضا سپاهی لایین

سر شب، از سر و صدای زیاد بلندگوی مسجد محل، دماغ و دل گرفته‌ام که همسرم از خرید بر می‌گردد و گله‌مندانه می‌گوید: این چه مملکتیه، از دیروز تا حالا اکبر آقا پیاز رو کیلویی ۵۰۰ تومن گرونتر می‌فروشه؟!

یادم می‌آید که صبح، همین اکبر آقا ماشینش را درست پارک کرده بود وسط کوچه و وقتی گفتم: حاج آقا، الان چه جوری رد بشم برم اداره؟ طلبکارانه جواب داد: حالا مگه ۵ دقیقه دیر برسی، چی میشه؟! چند ساعت بعد، دارم توی گوشی موبایل، یک گروه خبری تلگرامی را چک می‌کنم که یکباره خبر زلزله‌ی شدید کرمانشاه را می‌بینم؛ زمین لرزه‌ای با قدرت بیش از هفت درجه‌ی ریشتر استانه‌های غربی را لرزاند...

یاد شوخی مشهوری می‌افتم که وقوع حوادث طبیعی خسارتبار را در ایران، نتیجه‌ی رویگردانی مردم از طاعت پروردگار و ارتکاب گناهان بی‌شمار، دانسته بود... و یاد آنچه همین ام‌روز دیده و شنیده‌ام. دلم بیشتر می‌گیرد. باخودم می‌گویم، ظاهر این شوخی، جدی شده است و اینکه بعضی‌ها



می گویند ما مردم بدی شده ایم و باید کلاحت را بچسبی و به کسی اعتماد نکنی، حرف چندان بی راهی نیست.

صبح، هنوز به خیریه‌ی همدم نرسیده‌ام، در فرصت پشت چراغ قرمز، دوباره موبایلم را چک می‌کنم. اولین چیزی که توجهم را جلب می‌کند، کمپینی است که تعدادی از دوستان برای حمایت از زلزله‌زده‌های مناطق غربی راه انداخته‌اند.... داخل اداره، همکاران من، مثل کسانی که پنداری خانه‌ی خودشان در زلزله‌ی دیشب آوار شده، به هول و ولای کمک‌رسانی و مددکاری مصیبت‌دیده‌های کرمانشاه و سرپل ذهاب و قصر شیرین افتاده‌اند.... چند نفری زنگ می‌زنند و می‌گویند اگر شماره حسابی برای جمع‌آوری کمک نقدی اعلام کنید، ما آماده‌ایم هرچه در توان داریم دریغ نکنیم... در اتاق نگهبانی اداره، تلویزیون، خودروها و کامیونهای رانشان می‌دهد که به همراه نیروها و کمک‌های مردمی، عازم غرب کشورند....

ظهر که به خانه برمی‌گردم، دم در مسجد محل، از کمک‌های غیرنقدی مردم، کوهی سر به آسمان برداشته. همزمان اکبر آقا با وانت بارش، مشغول تحویل چند بسته لباس و پتوی تازه است. بقیه، هر کدام کاری می‌کنند.

بی‌اختیار با خودم زمزمه می‌کنم: چه مردم خوبی داریم. این مردم اگر مجال عشق‌ورزی و محبت داشته باشند، اصلاً اهل کم‌فروشی و خست و بی‌خیالی نیستند. فرصت مهربانی پیدا کنند، بی‌دریغ و بی‌دروغ می‌درخشند. مگر همین موسسه‌ی همدم را کمک‌های مردم نمی‌چرخاند؟ خدا می‌داند که اگر یک روز کنارمان نباشند، ۴۰۰ دخترمان سر بی‌شام زمین می‌گذارند. دمشان گرم، مردم. شاید گاهی باید زلزله‌ای اتفاق بیافتد که ناگهان، شاهد درخشش خیره‌کننده‌ی این مردم باشیم. خدایی مردم خوب و خیرخواهی داریم. خدا کنه همه و همیشه اینطور باشیم. خدا کند قدر هم را بدانیم....



معرفی واحدهای موسسه

جایی برای دیدار با روان...

عباس علی سپاهی یونسی 

است؛ روبروی خانه‌ی کوچک پناهگاهی است و در شکل ظاهر فعالیت‌هایش، می‌توان گهگاه داخل یا خارج شدن دختری را به آن دید. اما بیشتر از این را می‌توان در توضیحات دو روانشناس این بخش شنید. ابتدا از ناهید یاور می‌خواهیم تا بخش خودشان را معرفی کند.

ناهید یاور، که رشته‌ی تحصیلی‌اش روان‌شناسی بالینی است، دوره‌ی طرح را در سازمان بهزیستی و مرکز توان‌بخشی دختران همدم گذرانده است و پس از به اتمام رسیدن دوره‌ی دو ساله اکنون ۷ سالی است در همدم مشغول به کار است. او در خصوص برنامه‌های واحد محل کارش، اینگونه می‌گوید:

فعالیت‌های واحد روان‌شناسی

«به طور کلی فعالیت‌هایی که در این واحد انجام می‌شود، شامل موارد زیر است: اول بررسی مددجویان جهت پذیرش یا عدم پذیرش در صورت متناسب نبودن مددجو با فضا و شرایط مرکز و ارائه‌ی توضیحات لازم به اداره‌ی پذیرش برای این که اقدامات دیگری انجام شود. بعد از این که مددجو پذیرش شد، تعیین جایگاه مددجو کار بعدی است که از طریق بررسی عملکرد هوشی، رفتاری و شرایطی روانی و تشکیل پرونده انجام می‌شود. اقدام دیگری که باید به عنوان روانشناس انجام بدهیم ارائه‌ی برنامه‌ی اصلاح

شاید اکثر مردم و یاوران مهربانی که برای بازدید از همدم به این موسسه می‌آیند و از بخش‌های مختلف موسسه بازدید می‌کنند، خبر نداشته باشند غیر از بخش‌هایی که نگهداری از دختران را بر عهده دارند، این موسسه بخش‌های دیگری هم دارد.

این بخش‌ها، در عین اهمیت فراوانی که دارند، از آنجا که فعالیت آنها در بخش اداری دسته‌بندی شده است، در بازدید‌های عمومی دیده نمی‌شوند و تنها گذر دختران همدم یا بستگان آنها به این بخش‌ها می‌افتد.

از جمله‌ی این بخش‌ها، واحد روانشناسی است که برای این شماره‌ی فصلنامه‌ی همدم، سراغ دوستان شاغل در آن رفته‌ایم تا با آنها گپ و گفت کوتاهی داشته باشیم و خوانندگان ما نیز بیشتر با آنها و کارشان آشنا شوند. کار بخش روانشناسی از آن جهت مهم است که با روح و روان دختران همدم در ارتباط است. پس باید با دقت و وسواس اداره شود.

اتاق روانشناسی در ساختمان شهید شاهد واقع شده

بعد از گفت و گو با ناهید یاور، نوبت صفا مهدوی است تا به عنوان دیگر روانشناس این بخش، با هم به گفت و گو بنشینیم؛

❖ کاری سخت اما لذتبخش

مهدوی، ابتدا درباره‌ی چگونگی آشنایی خود با همدم می گوید: «آشنایی من با مؤسسه‌ی همدم بصورت اتفاقی با مراجعه به سایت این مجموعه صورت پذیرفت و پس از آن مراجعه‌ی حضوری و ارائه مدارک اتفاق افتاد و پس از مدت کوتاهی برای همکاری با این مجموعه دعوت شدم.»

مهدوی هم توضیحاتی درباره‌ی بخش روانشناسی می دهد و بعد از توضیحاتی درباره‌ی وظایف این بخش، درباره اهمیت کار در حوزه‌ی روانشناسی می گوید: «اهمیت این بخش در پیشگیری از عوارض ناشی از معلولیت شروع می شود تا بکارگیری از اهرم‌های تخصصی بر اساس شرح وظایف، با همکاری سایر بخش‌های تخصصی مرکز شامل مددکاری، کاردرمانی، گفتاردرمانی، بخش درمان و حوزه‌ی مراقبتی، تا در جهت بهبود عملکرد ذهنی، روانی، جسمی و اجتماعی مددجو و سازگاری وی با محیط و ارتقاء کیفی زندگی وی، به صورت تیمی برنامه‌ریزی و کار صورت پذیرد.»

مهدوی همچنین می افزاید: «هدف کلی از تشکیل اینگونه مراکز ارائه‌ی خدمات مربوط به سلامت شامل خدمات بهداشتی درمانی و توانبخشی است تا با به کارگیری کادر تخصصی و مراقبتی، حتی الامکان نسبت به کاهش میزان معلولیت باروش‌های آموزشی منطبق با ویژگی‌های این طیف از معلولیت اقداماتی مؤثر صورت پذیرد. در غیر اینصورت حضور آنان در اینگونه مراکز بدون انجام فعالیت‌های آموزشی و توانبخشی حرفه‌ای هیچگونه تغییری در رشد و ارتقای ذهن این عزیزان به وجود نخواهد آورد.»

این روانشناس درباره‌ی سختی کار در این بخش نیز می گوید: «سخت‌ترین روزهای کاری من در بدو ورود به مؤسسه دورانی بود که در بخش درمان همکاری داشتم. بعد از سپری شدن مدتی، فعالیت خود را در بخش روانشناسی آغاز کردم و در حال حاضر از شغلم رضایت کامل دارم. برای من حضور در همدم طی سالهای خدمت، تماماً با عشق و علاقه به کار و هر روز آن با روز دیگر متفاوت بوده است. با وجود تمامی سختی‌های آن، هیچ‌گاه شکوه‌ای از کار نداشته‌ام و همواره پس از پایان هر روز کاری با رضایت خاطر به خانه رفته و روز بعد با انرژی مضاعف به محل کار آمده‌ام و سعی کرده‌ام اگر لحظات تلخی هم برایم ایجاد شده است، بی‌اعتنا گذر کنم چون حضور در محل کار و خدمت به این عزیزان لذتبخش و شیرین است.»

رفتار در صورت لزوم برای دختران، متناسب با وضعیت شناختی، رفتاری و سن آنان است.»

❖ پیگیری وضعیت روانی و رفتاری دختران

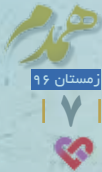
یاور برای توضیح بیشتر درباره مسئولیت‌های این بخش می گوید: «ارجاع به روانپزشک و پیگیری وضعیت روانی و دارویی دختران در حیطه‌ی روانپزشکی و ارائه‌ی گزارشات در صورت نیاز به روانپزشک بخش دیگری از فعالیت‌های ما می باشد و غیر از این، ارائه‌ی برنامه‌ی توانبخشی در حیطه‌های شناختی، حرفه‌ای و رفتاری و آموزش‌های لازم به دختران در جهت بهبود و ارتقاء سطح تعاملات بین فردی و اجتماعی، ارزیابی دختران به صورت دوره‌ای در حیطه‌های فوق و درج اطلاعات به صورت ماهیانه در پرونده‌ی دختران و ارائه‌ی برنامه‌ی سه ماهه در راستای توانمندسازی فردی بر اساس چارت پرونده‌های روان‌شناسی، تعامل با واحدهای کاردرمانی و گفتاردرمانی در راستای بهبود مشکلات دختران در حیطه‌های مذکور

تعامل با واحد مددکاری، پیگیری وضعیت تحصیلی، رفتاری دختران در مدرسه، پیگیری وضعیت رفتاری و شرایط روانی در ارتباط با خانواده در بخش روزانه و انجام ارجاعات در صورت لزوم، تعامل و آموزش به مربیان در راستای بهبود سطح تعاملات بین مربی و دختران مرکز و ارتقاء سطح خدمات ارائه شده به دختران، ارتباط با خانواده دخترانه شبانه‌روزی در صورت امکان جهت افزایش شناخت و آگاهی از پیشینه و شرایط آنان نیز از دیگر مسئولیت‌های افرادی است که در بخش روانشناسی فعالیت می کنند»

از یاور می پرسیم: کوتاهی در انجام وظیفه، چه مشکلاتی را در پی دارد؟ او پاسخ می دهد: «مسئله کوتاهی در انجام وظیفه در هر بخش موسسه می تواند تاثیر منفی بر عملکرد موسسه داشته باشد و در این بخش هم به همین صورت است. کوتاهی در هر قسمت می تواند منجر به بروز آسیب برای دختران و ایجاد خلل در فرایند درمان و توانبخشی دختران شود ولی به طور عمده روان‌شناسی جزء واحدهایی محسوب می شود که همیشه با تمامی دختران در ارتباط است و وضعیت این عزیزان حتی در صورت عدم بروز مشکل بررسی می شود.»

این روانشناس درباره روزهای سخت کار هم می گوید: «سخت‌ترین روزها را می توان زمانی توصیف کرد که دختران تفاوت خودشان را به زبان می آورند و می پرسند: چرا نباید مثل سایر افراد، خانواده داشته باشند؟ و یا سوالات دیگری از این جنس را مطرح می کنند و این سوال را به خوبی می توان درک کرد که با تمام وجود می پرسد. در اینجا است که شاید سخت‌ترین لحظه برای یک روان‌شناس که به صحبت‌های این عزیزان گوش می دهد پیش می آید و در پاسخ فقط می توان یک نفس عمیق کشید. و این جاست که جای همدلی کردن است و شرایط حتی سخت‌تر از روزهایی می شود که در لحظه باید تعداد زیادی از دختران را از نظر خلقی و رفتاری مدیریت کرد.»

از یاور می خواهیم از خاطرات شیرین کار با دختران هم بگویید و می شنویم: «خاطرات شیرین و شاید بهتر باشد این گونه بگویم لحظات و روزهای خاصی را با دختران تجربه کردم و این اتفاق باعث شد که وارد دنیایی بشوم که تا قبل از این با آن آشنا نبودم و هر لحظه‌اش را خاص و متفاوت می توان توصیف کرد. بویژه زمانی که با احساسات صادقانه و خالص این دختران روبرو می شوم.»





مژگان همایونی / کارشناس مسئول امور فرهنگی همدم

شوری برای هنر و شبی برای همدم

یادداشت شبی که آسمان همدم ستاره باران هنرمندان و ادبانش



گرامیداشت استاد کیوان ساکت در سکوتی لبریز از فریاد و شوق

در روزهای منتهی به دوازدهم آذر و روزی که خاص بزرگداشت معلولین است مؤسسه‌ی توانبخشی همدم در شور و شوقی غیرقابل وصف ساعت‌ها و ثانیه‌ها را می‌گذراند. عقربه‌های ساعت تیک‌تاک کنان ثانیه‌های زمان را پشت سر گذاشت. دیوار فاصله در هم شکست و به تاریخ دوازدهم آذرماه هزار و سیصد و نود و شش نزدیک شد. این روز از دو جهت مهم بود، بزرگداشت روز جهانی معلولین و هشدارهای بی‌درپی سازمان هواشناسی کشور در خصوص پیش‌بینی بروندت هوای مشهد. قرار بود هوای شهرمان در این روز از همیشه سردتر باشد؛ قرار بود همه‌ی برگ‌های درختان که تا آن شب با هجوم بادهای پاییزی مقاومت کرده بودند روی سنگ فرش خیابان بریزند، قرار بود سرمای استخوان‌سوز خراسان مردم شهر را در خانه‌هایشان نگه‌دارد و بقول اخوان ثالث؛ کسی سر بر نیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را...

اما در گوشه‌ای از شهر، فرزندان و کارکنان همدم در تب و تاب همایشی بزرگ بودند که آسمان زندگیشان را با حضور هنرمندان موسیقی و نقش‌آفرینان فرهنگ و ادبیات ایران ستاره‌باران کنند. باد سوزناک آذرماه به خیابان عبدالمطلب مشهد رسید و مهربان شد. انگار می‌دانست نباید امشب به دل‌های منتظر ۴۰۰ فرزند بی‌سرپرست این خانه آزاری برساند. باد راهش را کج کرد و از این دیار مهربان به آرامی گذشت...

پرافتخار حوزه‌ی فرهنگ و هنر ایران زمین تلاوت زیبای قاری قرآن سید جلال رضوی از مدرسین به نام انجمن خوشنویسان مشهد فضای سالن همایش‌های همدم را معطر کرد. سرود ملی جمهوری اسلامی نواخته شد و تکتم فرزند محبوب همدم با صدای آسمانی اش حاضرین را به شنیدن سرود امام رضا «ع» فراخواند. مجری مراسم، استاد سهیل محمودی، در جایگاه حاضر شد و پس از خیر مقدم به میهمانان و تبریک هفته‌ی وحدت و روز جهانی معلولین گفت: «همدم یک بار دیگر با تمام توان و تعهد غیرقابل‌وصفش پای کار آمد و کارستانی به پا کرد؛ دیدنی! باور کردنی نیست مؤسسه‌ی توانبخشی بتواند گامی چنین سنگین و مهم و ماندگار در راستای پاسداشت فرهنگ و هنر ایران بردارد و امشب از استادی قدردانی کند که در نوازندگی و اخلاق شهره‌خاص و عام است. او به‌راستی نمونه‌ی واقعی یک هنرمند متعهد است و همین بس که زمان زیادی از وقت گرانبهایش را برای خدمت به فرزندان این مرکز به کار گرفته و به‌جاست در ایام گرامیداشت روز جهانی معلولین از این موسیقی‌دان نیکوکار، تقدیر شود.»

در این خاک، در این باغچه‌ی پاک، به جز عشق و به جز مهر، دیگر هیچ نگاریم استاد کیوان ساکت، نوازنده‌ی برجسته‌ی تار و مدرس ردیف‌های موسیقی سنتی ایران، هنرمندی است نیکوکار که سالهاست در کنار فرزندان همدم غمخوار آنهاست. این هنرمند بزرگ از نیکوکارانی است که روایت ناگفته و قصه‌ی ناشنیده فرزندان این خانه را می‌شنود و پایه‌پایشان قدم می‌زند، می‌خندد و اشک می‌ریزد. به همین مناسبت، مدت‌ها پیش تصمیم گرفته شد به نام زیبای امام مهربانی‌ها حضرت علی بن موسی الرضا «ع» از هشت فرهیخته‌ی بنام خراسان تقدیر شود و شروع این حرکت با نام استاد کیوان ساکت، خیر نیکوکار و هنرمند نامی خراسانی به مناسبت روز جهانی معلولین، کلید خورد.

ستاره باران آسمان همدم با حضور چهره‌های



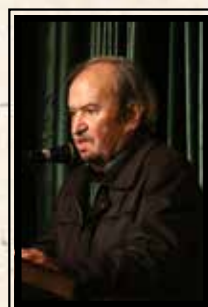
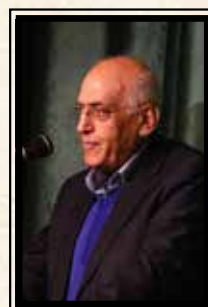
استاد کیوان ساکت، نوازنده‌ی برجسته‌ی تار و مدرس ردیف‌های موسیقی سنتی ایران، هنرمندی است نیکوکار که سالهاست در کنار فرزندان همدم غمخوار آنهاست

مدیرعامل مؤسسه‌ی شهرآرا)، بخشی از این میهمانان ارجمند حاضر در تالار همدم بودند.

پس از آن، جعفر شیرازی‌نیا (ریاست مؤسسه‌ی توانبخشی همدم) ضمن خوش‌آمدگویی به میهمانان و عذرخواهی از انبوه جمعیتی که به دلیل پر بودن فضای سالن همایش ایستاده بودند، روز جهانی معلولین را تبریک گفت و ادامه داد: «ما و فرزندانمان در همدم یادیدن نوابغ روزگار و تعداد قابل توجهی از اساتید فرهنگ و هنر ادبیات کشورمان خود را خوشبخت می‌دانیم و به خود می‌بالیم و سیاست‌گذاریم از استاد ساکت هنرمند توانمند روزگارمان و یاور خوب و قدیمی مؤسسه که اجازه دارند این نکوداشت توسط ما برگزار شود.»

در ادامه‌ی برنامه، دکتر سربابی (مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی) در جایگاه حاضر شد و گفت: «همکاری همدم، انجمن موسیقی خراسان رضوی و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی» در برگزاری این مراسم، اتفاق مبارکی بود. من از تلاش‌های انجمن

سهیل محمودی، سپس اسامی میهمانان ویژه را برای مدعوین قرائت کرد. اساتید: فرهاد فخرالدینی (رهبر ارکستر ملی ایران)، محمد سریر (موسیقی‌دان و رئیس هیأت مدیره‌ی خانه‌ی موسیقی ایران)، حسن ناهید (پیشکسوت و صاحب سبک نی‌نوازی ایران)، نادر مشایخی (آهنگساز و رهبر ارکستر)، محمد دلنوازی (هنرمند)، رسول مرادی، اسرافیل شیرچی و مجتبی سبزه (اساتید به نام خوشنویسی) عثمان محمدپرست (استاد بنام دوتارنوازی خراسان) دکتر محمدجعفر یاحقی (پژوهشگر و نویسنده‌ی ایران، عضو پیوسته‌ی فرهنگستان زبان و ادب پارسی و دانشمند نمونه‌ی سال) امیرمحمود حریرچی (مؤلف و جامعه‌شناس) محمدباقر کلاهی اهری (شاعر و پژوهشگر) و محمد جابانی (مؤلف و مورخ مردم‌شناس بنام خراسان) و ترانه میلادی (نویسنده و طراح) و همچنین میهمانان بزرگواری از مسئولین بلندپایه‌ی استان از جمله: سید جواد حسینی (معاون سیاسی امنیتی اجتماعی استاندار خراسان رضوی)، دکتر سید سعید سربابی (مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی)، دکتر تحفه‌گر (معاون هنری، سینمایی)، دکتر حمیدرضا پور یوسف (مدیرکل بهزیستی خراسان رضوی)، محمد رضا حیدری (رئیس شورای اسلامی شهر مشهد) احسان اصولی (رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر مشهد)، مجید خرمی



خیرین و باوران نیکوکار کشورمان باشد.»
 بعد از خیر مقدم‌های رسمی میزبانان نکوداشت، گروه آوای همدم بعد از اجرای آهنگ‌های «امام رضا «ع» و «ایران»، به اجرای ترانه‌ی «همدم» ساخته‌ی استاد کیوان ساکت با شعری از علیرضا سپاهی لایین (مدیر روابط عمومی همدم) پرداختند که با تحسین و تشویق‌های مداوم حضار روبرو شد.

♥ راز رویش خاک باران است و آفتاب...

حضور انبوه مشتاقان در تالار همایش‌های همدم، نشان از محبوبیت استاد کیوان ساکت داشت. در سایه‌ی همیاری و همدلی میهمانان، مراسم با

موسیقی خراسان صمیمانه تشکر می‌کنم و امیدوارم بتوانیم همکاری‌های مشترک بیشتری با این موسسه‌ی خیریه‌ی پویا و فعال داشته باشیم.

دکتر پور یوسف مدیر کل بهزیستی استان خراسان نیز بعد از دعوت در جایگاه و تبریک روز جهانی معلولین گفت: «از همراهی خوب همه‌ی دوستانی که تلاش کردند این همایش در چنین سطحی و با حضور استادان بزرگ حوزه‌ی فرهنگ و هنر کشورمان برگزار شود تشکر می‌کنم و امیدوارم مؤسسه‌ی خیریه‌ی همدم پیشرو در نکوداشت



♥ رونمایی کتاب «گزیده ردیف کاربردی موسیقی ملی ایران»

نوبت به رونمایی از کتاب «گزیده ردیف کاربردی موسیقی ملی ایران» اثر جدید استاد کیوان ساکت شد. سهیل محمودی مجری و شاعر توانمند ایران از فرهیختگان و مقامات اداری استان دعوت کرد در جایگاه حاضر شوند و با هم از این کتاب ارزشمند رونمایی کنند. کیوان ساکت در ابتدای رونمایی گفت: «خوشحالم که آسمان همدم امشب پر از ستاره‌های فرهنگ و هنر شده است و از اینکه این مؤسسه‌ی خیراندیش با همکاری انجمن موسیقی استان زحمت تقدیر از بنده‌ی حقیر را به عهده گرفتند تشکر می‌کنم و امیدوارم بتوانم ضمن جبران زحمات آنها همواره خادم خوبی برای اهالی همدم باشم.»

مجری نکوداشت از دکتر زهرا حجت (مدیرعامل همدم) به عنوان نماینده‌ی همدم و بانوان فرهیخته‌ی حاضر در سالن، محمدجعفر یاحقی، دانشمند برگزیده کشور در سال ۹۶ و نماینده‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، استاد کلاهی اهری و استاد جابانی به عنوان نماینده‌ی ادیبان خراسانی، دکتر حسینی نماینده‌ی دولت یازدهم،

سخنرانی وزین و تخصصی استادانی چون محمد سریر، عثمان محمدپرست و حسن ناهید ادامه پیدا کرد.

ترانه میلادی به نیابت از جامعه‌ی معلولین به جایگاه دعوت شد و گفت: «استاد ساکت با خدمات شایانی که به جامعه‌ی معلولین ایرانی داشته است جایش در قلب و ذهن ماست». پیام من به دوستانی که مثل من معلولیت دارند این است که بدانند معلولیت به معنای پایان زندگی نیست. من از مسئولین هم درخواست می‌کنم ضمن ایجاد زمینه‌ی حضور بهتر و بیشتر معلولین در نهادها و ارگان‌های دولتی و خصوصی، بکوشند تا شهرها و اماکن عمومی را با دید و درک حضور معلولین بسازند و اداره کنند.

استاد فرهاد فخرالدینی با صلابت خاصی صحبت‌هایش را آغاز کرد: «ای کاش گروه ارکستری در اینجا حاضر می‌شد و من امشب به افتخار کیوان عزیزم رهبری آن را به عهده می‌گرفتم. کار خیریه‌ی همدم را در برگزاری این نکوداشت با عظمت ستایش می‌کنم، طی بازدیدی که از این مرکز داشتم متوجه شدم هنر و استعداد فرزندان این مؤسسه به زیبایی کشف شده است. شما در همدم کارتان ارزشمند و مورد تایید بنده است و چه کاری بهتر از استفاده از هنر عالی ایرانی، در توانبخشی به مددجویان معصوم. وی ادامه داد: «کسی که ارزش هنر را بداند به نظر من ارزش معنویت و انسانیت را هم می‌داند و خداوند را ستایش کرده است.» همدم شخص خوبی را برای تقدیر انتخاب کرده است.



فرهنگ، هنر و ادبیات ایران زمین شده اند و این مکان مقدس توانسته است با مهربانی و درایت نقش موثری در تاریخ خراسان بازی کند؛ قطعاً امشب و اتفاقات مبارک آن در حافظه‌ی تاریخی این کهن دیار و بوم باقی خواهد ماند. برنامه‌ی نهایی نکوداشت، اجرای موسیقی زنده بود که ضمن آن، استاد کیوان ساکت با همراهی استاد سروش غازی خواه (پیانو) به اجرای بداهه نوازی در راست پنجگاه، اصفهان و شور پرداخت و همزمان «شعر دست» سروده‌ی زنده یاد فریدون مشیری را نیز دکلمه کرد. پایان بخش مراسم تقدیم هدایایی از طرف فرزندان هنرمند کارگاه قلم زنی همدم، انجمن موسیقی خراسان رضوی، و هدایایی دیگر از طرف مدعوین بود که به رسم یادگاری به استاد ساکت اهدا شد. همراهی بی دریغ انجمن موسیقی خراسان رضوی و اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی با موسسه‌ی توانبخشی همدم از اتفاقات خوب برگزاری مراسم بزرگداشت استاد کیوان ساکت بود. آشنایی و همراهی بیشتر با آقای صدرا یوسفی نماینده‌ی محترم اداره‌ی کل فرهنگ

دکتر حیدری رئیس شورای اسلامی شهر مشهد و تمام اساتیدی که از تهران به این نکوداشت دعوت شده بودند خواهش کرد در این رونمایی حاضر شوند و همزمان با آن و ضمن توضیحاتی پیرامون مطالب این اثر ارزشمند، جمعی از مدیران صنایع و خیرین حاضر در تالار کتاب استاد ساکت را با امضای او، به نفع فرزندان همدم خریداری کردند. آخرین سخنران نکوداشت پرستاره‌ی کیوان ساکت، دکتر حسینی (معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار خراسان رضوی) بود که ضمن تبریک هفته‌ی وحدت و روز جهانی معلولین گفت: «به نمایندگی از دولت تدبیر و امید به برگزار کنندگان این نکوداشت ارزشمند تبریک می‌گویم و خوشحالم در مجلسی که فرهیختگی از مکان و زمانش می‌بارد، حاضر شده‌ام.» فرزندان همدم مسبب حضور ستاره‌های درخشان



توانبخشی همدم امیدوار است در ایجاد پل‌های ارتباطی با مخاطبان فرهنگی و هنری خویش موفق باشد تا یخ‌های فاصله ذوب و زحمات جمعی، منتهی به آن شود که معنی حقیقی «عشق» را بیابیم و حس همدلی را در افکار و دستان هنرمندان بیدار کنیم. این شاید آرزویی بزرگ باشد اما دور از انتظار و دسترس نیست.

و کلام آخر این که؛ دعا کنیم ریشه‌های فرهنگی مان تا ژرفای ابدیت نفوذ کند. دعا کنیم تلاش خستگی ناپذیر و عاشقانه‌ی خیریه همدم در راستای فعالیت‌های توانبخشی و اعتلای فرهنگ و هنر این مرز و بوم بارقه‌ی امیدی باشد که هیچ‌گاه به خاموشی نگراید...

«رازی ست در ترنم سبز درختان؛ رازی به ژرفای عشق و بلندای همت.»
بدرود...

و ارشاد اسلامی خراسان رضوی و آقای حامد طاهری ریاست محترم انجمن موسیقی خراسان رضوی در همین رویداد نصیب همدم شد؛ عزیزی که از ابتدای مراحل اجرایی برای این بزرگداشت توفیق حضور و فعالیت بی‌دریغشان را در کنار خود داشتیم. حضوری از جنس رفاقت‌های ماندگار. نیک می‌دانیم برگزاری این مراسم وزین ممکن نمی‌شد مگر با حمایت و مشارکت و همراهی این بزرگواران.

♥ پایان مراسم و پایان سخن

به نام تو آغاز کردیم و سرانجام نیز به نام تو باید باشد. صحبت از مسیر سخت کار فرهنگی قصه‌ای است مکرر. به نام خدا این قصه را آغاز کردیم و در تداوم آن، دست یاری شما نیک‌اندیشان فرهیخته را به گرمی می‌فشاریم. البته کاستی‌ها و تنگناهای مسیر فرهنگ و هنر را می‌دانیم و بر این باوریم که سپیده‌دم هرگز روز نمی‌شود مگر پس از تاریکی، و این شکفتن گل در میان خارها و برف‌ها دلیل بر جاودانگی امید به روشنایی است. مؤسسه‌ی

بابک، انگیزه‌های خیریه‌ای را شکل داده است:

این عرش نشینانِ تربتی...



96 زمستان

14



هر کدام از مراکز نگهداری معلولان و یا خیریه‌هایی که می‌شناسیم برای خود داستانی دارند اما شاید ما از داستان آنها بی‌خبر باشیم درست مثل داستان «موسسه‌ی خیریه‌ی عرش نشینان توانا جام» که شنیدن ماجرای شکل‌گیری اش خالی از لطف نیست.

این موسسه با مشهد دوساعتی فاصله دارد و در شهر تربت جام در بلوار والفجر، بعد از خیابان قاسم انوار در حاشیه‌ی خیابان اصلی واقع شده است. اما ماجرای شکل‌گیری این موسسه که کودکان معلول قابل درمان، آموزش‌پذیر و ایتیم را شناسایی و تحت حمایت خود قرار می‌دهد، چیست؟

ماجرا از آن جا شروع شد که...

سال ۱۳۹۲ خانم شیخ احمدی از اهالی تربت جام در یکی از مراکز بهزیستی شهر، با کودکی به نام بابک آشنا می‌شود. بابک کودکی است با مشکلات مادرزادی در ناحیه‌ی صورت (ناقص الخلقه) و این باعث می‌شود که سر از مراکز نگهداری معلولان بهزیستی در بیاورد. او که مشهودی است چند سال پیش به تربت جام فرستاده می‌شود و وقتی در یکی از روزها گذر خانم شیخ احمدی به واسطه ادای نذری به محل نگهداری بابک می‌افتد، هم مسیر زندگی بابک و هم خانواده‌ی جان‌نثار و بخصوص مادر خانواده، یعنی خانم شیخ احمدی دچار تغییر می‌شود؛ خانم شیخ احمدی می‌شود حامی بابک. بهزیستی تربت جام همراهی و همکاری می‌کند و بابک که همانام فرزند بزرگ‌تر خانم شیخ احمدی است، در مدرسه‌ی معمولی ثبت نام می‌شود و با پیگیری او سلامتی ذهنی بابک ۱۰۰ در صد اثبات و از مرکز نگهداری معلولان ذهنی ترخیص می‌شود. خانم شیخ احمدی تصمیم می‌گیرد برای مداوای بابک اقدام کند و در این مسیر با پزشک فرشته‌صفتی به نام دکتر عبدالجلیل کلانتر هر مزی آشنا می‌شود؛ پزشکی که



کمک‌های او به کودکان دارای معلولیت‌هایی از جنس معلولیت بابک، زبانزد است و چند عمل او و تیم پزشکی اش باعث می‌شود چهره‌ی بابک تغییر کند. پروسه‌ای که البته تا امروز هنوز ادامه دارد.

وقتی خانواده بابک پیدا شدند

بعدها خانواده اصلی بابک پیدا می‌شود و او به آغوش خانواده اش بر می‌گردد. اما، حضور او در زندگی خانم شیخ احمدی باعث می‌شود او و چند نفر از دوستان خیرش به فکر ایجاد مرکزی برای کمک به کودکان معلول قابل درمان، آموزش‌پذیر و ایتیم بیفتند. موسسه‌ای که به طور رسمی از فروردین سال ۱۳۹۵ کار خود را شروع کرده است و خانم شیخ احمدی در حال حاضر مدیریتش را بر عهده دارد.

خودش در این باره می‌گوید: در حال حاضر موسسه از ۲۲۵ مددجوی تحت پوشش خود حمایت می‌کند. این مددجویان کودکان و نوجوانانی تا سن ۱۸ سالگی را شامل می‌شوند و حمایت ما هم از این مددجویان در خانواده صورت می‌پذیرد.

و آموزش مددجویان انجام می شود، سعی می کنیم در طول سال در مناسبت های مختلف، کمک های غذایی و یالباس به خانواده های نیازمند تحت پوشش برسانیم.

♥ وقتی خدای خواهد...

وقتی حرف های شیخ احمدی را می شنوم، خاطرات دیدارم با این زن مهربان و بابک برابم زنده می شود؛ اولین دیدارم با این خانم و خانواده اش در تربت جام و آخرین دیدارم سال قبل و در شب افتتاح موسسه اتفاق افتاد و حالا

او درباره ی وضعیت و شرایط خانوادگی این مددجویان می گوید: در بین این مددجویان هم کودک یتیم داریم، هم کودکانی که با دارا بودن پدر و مادر خانواده های بسیار نیازمند دارند و هم کودکانی که سرپرست موثری ندارند و ۶۰ درصد این مددجویان هم از روستاهای تربت جام اند که در خانه ی بعضی از آنها، به جای یک معلول ۲ و حتی ۳ معلول وجود دارد.

شیخ احمدی در توضیح بیشتر می گوید: از این تعداد بیش از پنجاه کودک با شرایط دشوار در حال تحصیل در مدارس عادی و آموزش در مدارس استثنائی و مدارس توانبخشی هستند و الباقی در حال درمان از طریق توانبخشی و دیگر حمایت های درمانی. لذا به همت، حمایت و کمک



فکر می کنم روزگار چه بازیها که ندارد. کودک کی با شرایط خاص به دنیا می آید و سر از یکی از مراکز بهزیستی در می آورد. به دست انسان های مهربان مقدار زیادی از مشکلات او با درمان حل می شود. و بعد وجود او بهانه ای می شود تا مرکزی برای تعداد دیگری از کودکان این سرزمین ایجاد شود که خوشبختانه تا امروز توانسته است کمک های خوبی به این کودکان و خانواده آنها بکند.

حرف خانم شیخ احمدی در گوشم تکرار می شود که می گوید: در حال حاضر ما با کودکانی روبرو هستیم که درمان آنها باعث شده مشکلاتشان کم شود و مثلا کودکی که تا ۴ سالگی نتوانسته است راه برود، سرانجام راه بیفتد. و ما این را از لطف خداوند بزرگ و کمک خیرینی می دانیم که چه در قالب پزشک، چه دیگر شهروندان، به کمک ما و به کمک بچه های شهرشان آمده اند.

های نقدی و غیر نقدی خیرین عزیز در هر مورد ممکن، شدیدان نیاز داریم.

♥ شناسایی بیماران اُتیسم

یک بخش دیگر فعالیت موسسه خیریه ی عرش نشینان توانا، شناسایی کودکان دارای بیماری اُتیسم می باشد و این موسسه طرح غربالگری این بیماری را در تربت جام انجام می دهد تا از این طریق بتواند به کودکانی که به اُتیسم مبتلا هستند و به خانواده های آنها، کمک کند. شیخ احمدی به عنوان توضیح بیشتر درباره ی فعالیت های موسسه می گوید: جدا از مسئولیت اصلی که برای موسسه تعریف کرده ایم در حال حاضر، ما به ۲۰ خانواده متفرقه نیز کمک می کنیم و این خانواده ها دارای شرایط بسیار مالی بدی هستند که مثلا پدر خانواده فوت شده است و مادر خانواده باید از ۷ یا ۸ فرزند خودش نگهداری کند؛ آن هم در حالی که بعضی از این خانواده ها حتی شناسنامه ای هم ندارند و یارانه ای هم دریافت نمی کنند. پس شرایط زندگی آنها بسیار بد است و نیاز به حمایت جدی دارند. وی ادامه می دهد: جدا از کمک هایی که در حد توان موسسه برای درمان

کلبه‌ای که از هم فروپاشید!

زندگی یکی از دختران «همدم» با نام مستعار «بهار»:



زمستان ۹۶

۱۶



♥ عباس علی سپاهی یونسی

و مادر هم گاهی داد می کشید و گاهی از ترس مرد خودش را به پناهی می کشید تا از دست او در امان باشد و چشم های مهربان معصوم بهار، همه ی این داد زدن ها را می دید. گاهی از ترس گریه اش می گرفت، اما چه می توانست بکند؟ تنها در کنجی پناه می گرفت و یا به طرف مادر می دوید که او هم خود به دنبال پناهی بود. برادرش که او هم مشکلات خودش را داشت، همین وضعیت را تجربه می کرد. او هم باید این جنگ و دعوها را تحمل می کرد. تا این که آن اتفاق افتاد.

♥ روزی که آن اتفاق افتاد

مدتی بود به خاطر اعتیاد پدرش، بگو مگو ها بین پدر و مادرش بالا گرفته بود. مصرف مواد او زیاد شده بود. پدر، کریستال مصرف می کرد. زن، دیگر نمی توانست وضع را تحمل کند و از طرفی مرد هم به زن بدبین شده بود و این شک در کنار، اعتیاد، ماجرا را سخت تر کرده بود. معلوم است که وجود هر یک از این دو عامل، کافی است تا یک زندگی را از بین ببرد...

آن روز، بعد از مشاجره ای شدید بین زن و مرد، پدر بهار با چاقو به همسرش حمله و او را با سسه ضربه چاقو از ناحیه کتف مجروح کرد و خودش هم فراری شد. بچه ها گریه می کردند. وقتی خون را روی بدن مادرشان دیدند، جیغ کشیدند. وحشت کرده بودند و نمی دانستند چه باید بکنند... و اصلا آنها چه کاری می توانستند بکنند؟! صدای گریه و کمک خواهی مادر، همسایه ها را به خانه آنها کشید. زن را به بیمارستان بردند و بچه ها ماندند با خانه ای بدون پدر و مادر.

همسایه ها، بچه های تنها شده را به عمه آنها سپردند. بچه ها اما در نبود پدر و مادر سر از یکی از مراکز نگهداری کودکان بهزیستی در آوردند و بعد هم به موسسه همدم منتقل شدند. عمه گفته بود بچه ها در حین بازی در کوچه گم شدند و بعد به وسیله پلیس به بهزیستی تحویل داده شدند... و بعد، مادر که بعد از ترخیص از بیمارستان دنبال بچه ها گشته بود، آنها را در مرکز همدم یافت.

بعد از متواری شدن پدر، شاید اگر مادر بهار، توانایی مالی داشت می توانست از فرزندان خودش نگهداری کند اما او توانایی مالی برای اجاره کردن خانه ای را ندارد. او گاهی در آرایشگاهی شاگردی می کند و

دنیا پر از زندگی های جور و اجور است. هم زندگی های روشن دارد، هم زندگی های تاریک. تازه زندگی های نیمه روشن و نیمه تاریک هم دارد. چرایش را من نمی دانم. شاید این هم بخشی از قوانین خلقت در این جهان است. شاید باید جنس بازار دنیا جور باشد. خوب، لابد اگر همه ی زندگی ها روشن می بود، دچار یک نواختی می شدیم! یانمی دانم دچار یک مشکل دیگر... برای همین باید همه جور زندگی وجود داشته باشد و یکی از این زندگی ها، زندگی «بهار» است؛ که دختر مهربانی است ۹ ساله.

♥ آن روز خوش...

کودک تازه متولد شده دختر بود. پدر و مادرش لبخند زدند و دیگران آمدنش را تبریک گفتند. مثل هر پدر و مادری برای نامش نظرها مختلف بود اما، سرانجام اسم دخترک «بهار» شد و «بهار» چه قدر اسم زیبایی است. اگر اهل شعر و ادبیات و نوشتن باشی، فکرت را پرواز می دهد تا زمزمه می کنی:

صاحب دلی نماند در این فصل نوبهار
الا که عاشق گل و مجروح خار اوست

دخترک هنوز آن قدر کوچک بود که نداند به کجا آمده است و چه سرنوشتی در انتظار اوست. دلش روزهایی پر از جست و خیزهای کودکانه می خواست؛ روزهایی که پدر او را در آغوش کشد. او را بیوسد و بو کند. روزهایی می خواست که سرش را روی دامن مادر بگذارد و به خوابی خوش فرو برود... اما بخت آن قدر با بهار - این دختر معصوم - یار نبوسد که زندگی آرامی را تجربه کند. شاید شروع زندگی تاریک بهار، با همان تولد آغاز شد. از همان روزی که اختلاف پدر و مادر او با همدیگر شروع شد. از همان روزی که خانه ی آنها محل بگو مگوهای گاه و بیگاه پدر و مادرش بود. پدر داد می زد



کرده است و روزهای اغلب شاد و گاه غمگینی را تجربه می کند. به پرونده اش که نگاه کنی بیش از هر چیزی گزارش میهمانی رفتن او با بچه های دیگر به دعوت خیرین است و او خوشحال است که از جمله بچه هایی است که می تواند گاهی با دوستانش به میهمانی هایی برود. برنامه هایی که آدم های مهربان این شهر برای دختران همدم تدارک می بینند. وقتی در خانه ی خودش بود از این خبرها نبود چون پدرش ترجیح می داد اگر پولی به دست می آورد آن را صرف خریدن مواد برای خودش بکند تا برای رفاه بچه ها و تفریح آنها. «بهار»، حالا یکی از دختران همدم است که بعد از خدا تنها امیدش آدم های مهربان این سرزمین است. او هم مثل دیگر دختران همدم با دیدن لبخند آدمی خیر گل از گلش می شکفتد و آن وقت است که غصه های کودکانه اش را فراموش می کند.

چقدر خوب است من و شما همان آدم های خیری باشیم که مهربانی را به «بهار» و «بهارها» در همدم هدیه می دهند، تا دلشان، برای خانواده و نزدیکانی که دارند یا ندارند، کمتر تنگ شود.

چون جا و مکانی از خودش ندارد، گاهی پیش خواهرش زندگی می کند و گاهی هم به خانه برادرش می رود و این البته ساده نیست. مخصوصا که او به دلیل پیش آمدن مشکلات فراوان، دچار مشکلات روحی هم شده است.

او تنها می تواند هر از گاهی به دیدن دخترش در مرکز بیاید و به دیدن پسرش که در یکی از مراکز نگهداری کودکان معلول نگهداری می شود برود. گاهی هم مرخصی «بهار» را می گیرد و او را با خود می برد اما، نمی تواند یکی دو روز بیشتر او را نگه دارد. هم حال و احوال خودش خوب نیست و باید سر کار برود و هم هر چه باشد، خودش هم سر بار دیگران است...

❖ یکی از دختران ۴۰۰ دختر همدم شد

حالا بهار یکی از دختران همدم شده است، زندگی دیگری را تجربه می کند. شاید این جا آن چیزی نباشد که دوست دارد اما هر چه باشد از آن خانه پر از جنگ و دعوا بهتر است... از این بهتر است که پدر چیزی را پرت کند و مادر جیغ بکشد. از این بهتر است که روزهایت پر از ترس و دعوا باشد و هی با خودت فکر کنی امروز قرار است چه اتفاق ناگواری بیفتد...

زندگی بهار، حالا خیلی هم خالی نیست. دوستانی برای خودش پیدا

معلول را به جامعه بسپاریم، نه مراکز!

ساعتی همصحبتی با: دکتر حمیدرضا پور یوسف (مدیر کل بهزیستی خراسان رضوی)

و دیگر معلولان هم شکل بگیرد. این امر زمانی معنا پیدا می کند که محیط برای حضور معلول فراهم شود و در قالب توسعه مؤسسات مردم نهاد امکان مشارکت معلولین در جامعه بیشتر شود و شکل گیری این امر نیاز به شفاف سازی اطلاعات و منابع بود تا معلولان خودشان برای خودشان برنامه ریزی کنند. رویکرد ما در بهزیستی در قالب های توسعه مراکز روزانه، افزایش مهارت های حرفه و حرفه آموزی، افزایش خدمات مراقبت در منزل و طرح مراقبین و... است و طرح های جدیدی که در حال اجراست تا معلول به جای سپرده شدن به مراکز به جامعه سپرده شود.

پس با این توصیف خیلی با مراکز شبانه روزی موافق نیستید؟

اعتقادمان این است که مرکز شبانه روزی با همه اهمیتیتی که دارند، متأسفانه فرد معلول و خانواده اش، در قالب آنها، کمترین کنترل را بر زندگی اش دارند. در صورتی که ما دنبال این هستیم که فرد بیشتر با جامعه در ارتباط باشد. وجود مرکز شبانه روزی به این معنی است که بیست و چهار ساعت زندگی معلول در مرکز می گذرد در حالی که جامعه و خانواده در آن مشارکتی ندارند. ولی وقتی معلول به مرکز روزانه سپرده می شود، ساعاتی در اختیار مرکز است و ساعاتی در اختیار جامعه و در اختیار خود و خانواده است. کوتاه سخن، معلول باید در جامعه نقش داشته باشد حتی اگر این نقش به دلایل وضعیت جسمی و یا دیگر شرایط او کم باشد.

این که مراکز در پذیرش معلولین سخت گیری می کنند به همین توضیحات بر می گردد؟

به دو دلیل و روش سختگیری می شود؛ سخت گیری تخصصی و غیر تخصصی. سخت گیری تخصصی یعنی اینکه ما تا وقتی مطمئن نشویم که معلول در بیرون از مرکز نمی تواند به توانمندسازی برسد او را پذیرش نمی کنیم. سخت گیری دیگری که وجود دارد بحث امکانات است؛ مثلاً ما کمبود فضا داریم، کمبود فضای خدماتی داریم و علی رغم اینکه ممکن است خانواده چاره ای جز سپردن معلول خود به مراکز نداشته باشد، اما بعضی وقتها هم مراکز پر است و جای خالی وجود ندارد.

خیرین چه نقشی می توانند در حل این مشکلات ایفا کنند؟

خیرین در بخش های مختلف یار بگر بهزیستی بوده اند و هستند؛ مثلاً در

تقویم پر از روزها و مناسبت هاست و همه این روها لابد بهانه ای است برای اندیشیدن بیشتر و توجهی جدی تر به آن روز بخصوص و یا موضوعی خاص. سال ۱۹۹۲ بود که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد روزی به نام معلولین نامگذاری شد و شد ۱۲ آذر یا ۳ دسامبر روزی برای این عزیزان. حتماً فرد یا افرادی که این روز را پیشنهاد دادند هم به دنبال این بوده اند تا توجه به این قشر از جامعه بیشتر شود و از این رهگذر بتوان زندگی بهتری برای آنها رقم زد. به همین مناسبت، برای این شماره ی همدم، سراغ حمیدرضا پور یوسف مدیر کل بهزیستی خراسان رضوی - که از آبان ماه ۱۳۹۴ این مسئولیت را بر عهده گرفته است - رفته ایم و پیرامون دغدغه های معلولین و مدیران این عرصه گفت و گو می کنیم:

با این سوال شروع بکنیم که در مشهد و استان

چه تعداد معلول داریم؟

در مشهد بیش از ۴۰ هزار معلول داریم که شناسایی شده اند، در بهزیستی پرونده دارند و در استان نیز نزدیک ۱۰۰ هزار معلول داریم.

بهزیستی چه قدر تلاش کرده است و چه اندازه کمک کرده است تا این معلولین از خانه ها خارج شوند و نقش موثری در جامعه داشته باشند؟

ببینید از ابتدا نظر سازمان بهزیستی بر توان افزایی، توان بخشی و قادر سازی متمرکز بوده است اما این ادبیات تا مدتی مغفول مانده بود و صرفاً توان بخشی در اهداف دنبال می شد. یعنی در پی آن بودیم که فردی که به یک نقص جسمی، حسی و یا روانی مبتلا شده است، نقص او به حداقل برسد و استقلال او بیشتر شود اما در سالهای اخیر به دنبال این بودیم که شرایط پیشرفت و شکوفایی فرد معلول در جامعه فراهم شود. یعنی معلول بتواند خودش برای خودش تصمیم بگیرد و کار کردن معلولان برای خودش



خیرین مصداق اصطلاح «مسئول اجتماعی» هستند و نسبت به هم‌نوعان خودشان احساس مسئولیت می‌کنند و از این جهت، ما از خیرین مرتبط با موسسه‌ی همدم خیلی تشکر می‌کنیم چون انسانهای سلیم‌النفس و نیکوکاری هستند

به کار خیر دارند. خوشبختانه دارد زمینه فراهم می‌شود تا مرکز همدم با فضایی که برای ساخت و ساز جدید در نظر گرفته است، جهشی در خدمت‌رسانی بیشتر داشته باشد و مطمئنم در چند ساله‌ی آینده، خدمات با کیفیت بسیار خوبی از همدم انشاالله شاهد خواهیم بود.

♥ **در برخی از مراکز و از جمله همدم در سالهای اخیر به برنامه‌های فرهنگی و هنری هم توجه می‌شود.** این رویکرد، تا چه اندازه در سرنوشت معلولان تاثیرگذار است و چقدر نگاه مردم رابه این خیریه‌ها و مراکز تغییر می‌دهد؟

ما، رفتن به سمت برنامه‌های فرهنگی را برای افراد معلول ضروری می‌دانیم. البته برای هر معلول بسته به نیاز و توانایی که دارد باید فعالیت تعریف کرد. مثلاً در همدم

تأمین هزینه‌های معلولین، تجهیز و تکمیل مراکز و یا دیگر اقلام مورد نیاز.

♥ **آقای دکتر، اگر خواسته باشید از مرکز همدم ارزیابی داشته باشید، نظر شما چه خواهد بود؟**

صحبت کردن درباره‌ی مرکز همدم خیلی سخت است، به خاطر اینکه خدمات مرکز همدم خدماتی بسیار با کیفیت و تخصصی است و کمتر مرکزی را می‌توان با همدم مقایسه کرد. سطح خدمات در مرکز همدم خوب است و خیلی خوب انجام می‌شود و یک نکته مثبت درباره‌ی همدم این است که خیرین خیلی خوبی دارد. با چند نفر از خیرین همدم که در ارتباط هستیم می‌بینم که بسیار آدمهای محترم و مخلص و خدمتگزار برای معلولین هستند. به نظر می‌رسد که بعضی از خیرین مصداق اصطلاح «مسئول اجتماعی» هستند و نسبت به هم‌نوعان خودشان احساس مسئولیت می‌کنند و از این جهت، ما از خیرین مرتبط با موسسه‌ی همدم خیلی تشکر می‌کنیم چون انسانهای سلیم‌النفس و نیکوکاری هستند که بسیار تمایل

بعضی از خواسته‌ها و نیازهای معلولین خوشبختانه در حال پذیرش است اما امیدوارم که با شتاب بیشتری انجام بشود. شاید لازم است این نگرش ایجاد شود که معلول هم باید سهمی در اجتماع و امکانات آن داشته باشد

بر اجتماع خیلی وقت‌ها باعث انزوا و گوشه‌گیری و عزلت معلولین می‌شود. این روندی است خلاف جهت توانمندسازی معلولین. اما سعی شده است فرد را از منزل و خانه و از تنهایی به اجتماع بکشیم تا مشارکتی در اجتماع داشته باشد و باعث خودشکوفایی او بشود.

❖ مشکل کجا بوده که تا به حال این اتفاق نیفتاده است؟

کار در حال انجام است. چندین دستگاه در این ماجرا درگیرند اما باید شتاب بیشتری بگیرد و خوشحالیم که در حال حاضر هر چند کم اما درصدی از کار انجام شده است. بعضی از خواسته‌ها و نیازهای معلولین خوشبختانه در حال پذیرش است اما امیدوارم که با شتاب بیشتری انجام بشود. شاید لازم است این نگرش ایجاد شود که معلول هم باید سهمی در اجتماع و امکانات آن داشته باشد. باید خود را در موقعیت معلول قرار دهیم تا ببینیم وقتی این فرد از خانه برای انجام امور روزمره خود خارج می‌شود با چه مشکلاتی روبرو می‌شود.

❖ در جامعه‌ی ما، هنوز هم با خانواده‌هایی مواجهیم که چند معلول دارند. مشکل کجاست؟؛ خانواده کم‌کاری کرده است، یا نهادهای مرتبط، که شاهد این وضعیت هستیم؟

غفلت در تمام سطوح بوده است. در سال ۲۰ تا ۳۰ هزار فرد معلول در کشور متولد می‌شوند که از اختلالات ژنتیکی قابل پیشگیری رنج می‌برند. این که چه کم‌کاری‌هایی شده است که همچنان افراد معلول متولد می‌شوند جای تامل و بررسی دارد. البته این نکته را هم باید افزود که تعداد متولیدن معلول، در مقایسه با گذشته کمتر شده‌اند. اما در این ماجرا همه مقصریم. خیلی وقت‌ها تشخیص مشکلات قبل از تولد از جهت هزینه‌ها گران است. به نظرم بهتر است جلو بارداری که حاصل آن کودک معلول است، گرفته شود و این آگاه‌سازی انجام بشود. زوجین موقع ازدواج و قبل از بارداری باید مشاوره بگیرند. لازم است به سمتی برویم که انجام این مشاوره‌های قبل از ازدواج و قبل از تولد نوزادان به مطالبه خانواده‌های ایرانی تبدیل بشود نه این که ما سراغ آنها برویم و آنها را ملزم به انجام برخی مشاوره‌ها بکنیم. باید به آن روز برسیم و برای رسیدن به این نقطه باید تلاش بیشتری انجام بدهیم. به نظر می‌رسد که باید از رویکردهای سلبی به سمت رویکردهای ایجابی حرکت کنیم. اگر به این نقطه برسیم که خانواده‌ها خود در پی انجام این مشاوره‌ها باشند کمتر شاهد تولد نوزادانی با این شرایط خواهیم بود. این باعث خواهد شد هزینه کمتری بر خانواده و جامعه و دولت، تحمیل شود.

معلولی داریم که به نوعی بسترگرا و تخت‌گراست. برای این فرد مشارکت اجتماعی ممکن است به حداقل برسد چون ممکن است از نظر جسمی بسترگرا باشد و از نظر توانمندی عقلی و هوشی وضعیت پایینی داشته باشد. اما بچه‌هایی هم هستند که زمینه‌ی کار فرهنگی برای آنها وجود دارد و کار فرهنگی باعث می‌شود این بچه‌ها به توانمندسازی بیشتری برسند. وقتی کار فرهنگی توسط بچه‌ها ارائه شود و بچه‌ها در کارهای فرهنگی مشارکت داشته باشند، باعث می‌شود که فرد معلول به توانمندی بالایی ذهنی و جسمی برسد و باعث شکوفایی و اعتماد به نفس در او بشود. باعث می‌شود کیفیت زندگی‌اش بهتر بشود و آماده بشود برای جامعه پذیر شدن و ارتباطات اجتماعی او تقویت می‌شود. اعتقاد ما این است که خیلی وقت‌ها هنر می‌تواند در خدمت توانبخشی باشد. از جهت دیگر، کار فرهنگی برای مؤسسه باعث افزایش مشارکت اجتماعی و مردمی می‌شود. هم بچه‌ها بیشتر دیده می‌شوند و هم خدمات مرکز. اگر مشارکت اجتماعی باشد، مشارکت مادی هم می‌آید ولی عکس این قضیه شاید صحت نداشته باشد. به این خاطر تاکید بر مشارکت اجتماعی است و کار فرهنگی باعث مشارکت اجتماعی مردم با مرکز می‌شود که می‌تواند موثر باشد.

❖ در شهر مشهد چند درصد فضای شهری برای معلولین مناسب‌سازی شده است؟

ما اعتقاد داریم که باید کل فضاهای شهر اعم از مبلمان شهری، پارکها، معابر، فضاهای اداری و عمومی برای معلولان مثل افراد دیگر قابل دسترس و استفاده باشد. یعنی هم فرد معلول به این فضاها دسترسی داشته باشد و هم امکان بهره‌مندی وجود داشته باشد. در حال حاضر متاسفانه شاید در بهترین شکل ۱۰ درصد معابر شهری برای معلولین مناسب‌سازی شده باشد و این خیلی کم است. یا شاید حداکثر ۲۰ الی ۳۰ درصد فضای عمومی و دولتی برای افراد معلول قابل دسترسی و قابل بهره‌برداری باشد. روندی شروع شده است اما بسیار کند است. وقتی معلول از خانه‌اش بیرون می‌آید، قاعدتاً مشکلات زیادی دارد و این مشکلات که بخشی از آن به تردد او بر می‌گردد، باعث می‌شود در خانه بماند و بیرون نیاید. این ترجیح‌خانه



زمستان ۹۶

۲۰



خبرهای خوب این خانه

مروری بر مهمترین اتفاقات همدم در سه ماهه‌ی گذشته

خبرها کهنه نمی‌شوند. مشروح اخبار همدم را می‌توانید در فضای مجازی دنبال کنید، اما اشاره‌ای کوتاه در این صفحات برای یادآوری مهربانی و تشکر از دوستان همدم است.

www.hamdam.org / [@hamdamcharity](https://www.instagram.com/hamdamcharity) / [@hamdamcharity](https://www.facebook.com/hamdamcharity)





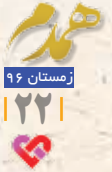
♥ مهر حسین (ع) و مهر دانش در همدم

۳۵ نفر از فرزندان این خانه در اولین روز از ماه مهر که با شروع ماه محرم همزمان بود، به مدرسه رفتند. این دانش آموزان از مقطع آمادگی تا دبیرستان مشغول به تحصیل هستند که تعدادی از این فرزندان در مدارس عادی و تعدادی دیگر در مدارس استثنایی ادامه تحصیل می دهند.



♥ دیدار فوتبالی در سالن فرودگاه

۲۲ شهریور، سید محمد ناظم الشریعه (سر مربی تیم ملی فوتسال ایران) در فرودگاه مشهد، در میان استقبال فرزندان همدم، گفت: «دیدار با این بچه های معصوم، همیشه برای بازیکنان و کادر تیم ملی فوتسال انرژی بخش بوده است. شهرزاد مظفر (سر مربی تیم ملی فوتسال بانوان) هم در این دیدار گفت: «توصیف دعای فرشته های زمینی همدم در میان بچه های فوتسالی کشور همه جا به گوش می رسد.»



♥ همراهان ششمین بازار چهی همدم، تقدیر شدند

چهارشنبه شب ۲۲ شهریور ماه ۱۳۹۶ جشن سیاست و تقدیر از همکاران، یاوران، خبرنگاران و غرفه داران ششمین بازار چهی خیر و خرید همدم در میان انبوهی از ابراز احساسات و یادآوری خاطرات برگزاری این بازار چه، در تالار همایش های موسسه برگزار شد.



صدای همدم در سالن سران طنین انداز شد

دختران گروه آوای همدم در آیین افتتاح فعالیت ۱۵۰ مرکز اورژانس اجتماعی کشور در سالن اجلاس سران تهران، آهنگ غرور افرین «ایران» را اجرا کردند. در ضمن این حضور، رامبد جوان، با تکتم (دختر هنرمند و تکخوان گروه آوای همدم) دیدار کرد و او را مورد تشویق و تقدیر قرار داد.



حضور آتش نشانان در همدم به مناسبت روز آتش نشانی و ایمنی

در ایام گرامیداشت روز آتش نشانی و هفته ای ایمنی، دکتر حسن جعفری به همراه تعدادی از معاونان و مدیران سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی مشهد، میهمان موسسه ای همدم شدند. دکتر جعفری در این دیدار گفت: «گرامیداشت روز آتش نشانی در کنار فرزندان معصوم همدم، زیبا و به یادماندنی تر است.»

گرامیداشت روز جهانی و هفته ای ملی کودک در همدم

در روز جهانی و آغاز هفته ای ملی گرامیداشت کودک، تعدادی از هنرمندان، بسیجان، دانشجوین، دانش آموزان و تنی چند از فرماندهان پلیس راهور خراسان رضوی به همدم آمدند و با هدایای شیرینی و گل و هدایای نقدی و غیر نقدی دیگری این روز را به فرزندان معصوم این موسسه خیریه تبریک گفتند.



بچه‌های همدم به کلانتری رفتند

چندتن از دختران و کارکنان همدم، با حضور در پاسگاه انتظامی شفا (کلانتری ۱۹)، فرارسیدن هفته‌ی ناجا را به کارکنان این کلانتری و دیگر نگهبانان امنیت و آرامش این آب و خاک، تبریک گفتند.



یک تبریک دوستانه‌ی استاندارد

در روز جهانی استاندارد و برای دیدار با مدیران بزرگوار اداره‌ی کل استاندارد و تحقیقات صنعتی خراسان رضوی، جمعی از فرزندان و کارکنان همدم به همراه خانم دکتر حجت، مدیرعامل مؤسسه همدم راهی این مجموعه شدند.



ورزشکاران، دوستان همیشگی همدم

فرزندان ورزشکار همدم، هفته‌ی تربیت بدنی را در کنار قهرمانان ورزشکار، باورن و مسئولین هیات‌های ورزشی استان گرامی داشتند.



❤️ همدمی ها و همدردی با هموطنان آسیب دیده در زمین لرزه

یکشنبه شب ۲۱ آبانماه، ساعت حوالی ۱۰ شب، ناگهان زلزله‌ای با قدرت ۷.۳ در مقیاس ریشتر، بخش‌های وسیعی از غرب ایران را تکان داد. کارکنان و فرزندان موسسه‌ی همدم (فتح‌المبین)، ضمن ابراز همدلی با آسیب‌دیدگان و عرض تسلیت به مصیبت‌دیدگان این زلزله، ضمن اطلاعی‌هی تسلیت، اعلام کردند که؛ دلها و دستهایی که همدم و همبسته و همراه باشند، در مواجهه با مصایب، هرگز نمی‌لرزند.



❤️ قول برگزاری مسابقه‌ی فوتبال به نفع همدم

غلامحسین پیروانی (مربی باسابقه‌ی فوتبال ایران) که همراه محمد ناظم الشریعه (سر مربی تیم ملی فوتبال ایران)، ابوالفضل کریمیان (سرپرست این تیم) و حمید شاندریزی (مربی تیم ملی فوتبال امید)، به همدم آمده بود، گفت: «اگر خدا یاری کند، به زودی یک مسابقه‌ی فوتبال به نفع ۴۰۰ دختر بی سرپرست این خانه، برگزار خواهیم کرد.»



❤️ قناعتی خدادادی در همدم

۱۱ مهر ۹۶ مهدی قناعتی (شومن و مجری) و علیرضا خدادادی (خواننده) ضمن دیدار با فرزندان موسسه، با نثار شکوفه‌های لبخند، مهرماه همدم را بهاری کردند.



❤️ شکوفایی عشق همدم در استقبال از قهرمانان عشق آباد

یکشنبه ۲ مهر ۹۶ فرزندان همدم، از قهرمانان تیم ملی دوچرخه سواری ایران در بازگشت پیروزمندان این تیم از بازی‌های آسیایی داخل سالن ترکمنستان، استقبال کردند.



♥ کارگاه آشنایی با انواع حریق

۱۸ مهر امسال، کارگاه آشنایی با انواع حریق و خاموش کننده‌ها در محیط‌های اداری و خوابگاهی، با همکاری سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری مشهد، در همدم برگزار شد.



♥ مدیران ارشد بهزیستی و دیدار با کودکان همدمی

۱۷ مهر و به مناسبت گرمیادداشت هفته‌ی کودک، دکتر رفیعی و دکتر رستمی (معاون و کارشناس ستاد پیشگیری از معلولیت‌ها سازمان بهزیستی کشور) همراه دکتر پوریوسف (مدیرکل بهزیستی خراسان رضوی)، از کارگاه‌ها و بخش‌های مختلف همدم، بازدید کردند.



♥ مدیران بانک توسعه در همدم

پنج‌شنبه ۲۷ مهرماه ۹۶، مدیران و کارکنان بانک توسعه‌ی تعاون با فرزندان همدم در فضایی همدلانه‌ی دیدار کردند.



♥ حضور همدمی‌ها در آیین تجلیل ورزشکاران معلول

چهارشنبه ۲۶ مهر ۹۶ در مراسم بزرگداشت روز ملی پارالمپیک و تجلیل از ورزشکاران معلول برتر استان در سالن شهید بهشتی مشهد، فرزندان همدم حضوری بانشاط و پررنگ داشتند.



♥ دیدار همدمی ها با هنرمندان ایران و تماشای فیلم ایتالیا، در آفریقا

یک روز به پایان مهر، سحر و ندا ضمن استقبال از کاوه صباغ زاده (کارگردان) و حامد کمیلی و سارا بهرامی (بازیگران) فیلم سینمایی ایتالیا ایتالیا، این فیلم را در کنار ۲۵ نفر دیگر از دختران همدم، در سینما آفریقای مشهد تماشا کردند.



♥ خاله و خان عموی همدمی

۲۹ مهر ۹۶، محمد عیوضی «خان عمو» و بهار حصاری «خاله بهار» (مجریان کودک و نوجوان شبکه های ملی و استانی صدا و سیما) ضمن بازدید، در حضور گروه تئاتر فرزندان همدم، برنامه اجرا کردند.



♥ نمایشگاه عکس، در قاب همیاری

۶ الی ۱۰ آبان ۹۶، در نگارخانه ی فردوسی مشهد، نمایشگاه تخصصی عکسی با عنوان: «ایران زیبایی فراموش شده»، با شرکت ۱۲ عکاس همشهری، به نفع فرزندان همدم برگزار شد.



♥ مهر پاییزی دانشجویان حکیم

سوم آبان، جمعی از دانشجویان دانشگاه حکیم توس، ضمن بازدید از همدم، مهر بی پایان پاییزی خود را نثار فرزندان این خانه، کردند.



♥ آزمایشگاه فردوس مشهد در خدمت فرزندان همدم شهر

اوایل آبان، دکتر علیرضا طالبزاده (مدیریت آزمایشگاه فردوس مشهد)، آزمایش غربالگری را برای تعدادی از دختران همدم به رایگان به عمل آورد و برای پذیرش دیگر فرزندان و همکاران هم، اعلام آمادگی کرد.



♥ همدمی دانش آموزان

۳ روز مانده به ۱۳ آبان (روز گرامیداشت مقام دانش آموز) دانش آموزان دبیرستان شهدای بانک صادرات مشهد، برای دیدار و همدمی، به همدم آمدند.



♥ دکتر سمیعی و همکاران در همدم

۷ آبان، دکتر سمیعی (مدیر مرکز بیماریهای عفونی دانشگاه علوم پزشکی مشهد) و همکارانشان خانم عظیمی و آقای یوسفی نسب، میهمان اهالی همدم بودند.



♥ نشست آموزشی با یاوران همدم

چهاردهم آبانماه، جلسه‌ی آموزشی و توجیهی یاوران همیشه همراه موسسه، پیرامون بررسی امور نگهداری و توانبخشی فرزندان همدم برگزار شد.



♥ دیداری ساکت، همراه با صدای اهل هنر

دوازدهم آبان، فرصتی دست داد تا کیوان ساکت (استاد برجسته‌ی موسیقی ایرانی) همراه با جمعی از هنرمندان و هنردوستان خراسانی، با همدمی‌ها دیدار و احوالپرسی کند.



♥ یک بازدید تخصصی

حمیدرضا اسماعیلی (رئیس گروه توانبخشی سازمان بهزیستی کشور) و محمد صادق باقری (کارشناس توانبخشی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) در روز ۲۰ آبان، به شکل تخصصی از همدم بازدید کردند.



♥ تجارت همدمی در همدم

در نیمه‌ی آبان، محمد هادی شمس (رئیس شعبه) و مهدی زهرایی (مسئول دایره اعتبارات) از مدیران بانک تجارت شعبه‌ی مرکزی مشهد، از همدم بازدید کردند.



♥ صدور کارت هوشمند؛ گام اول در همدم

سامانه‌ی سیار صدور کارت هوشمند با حضور دکتر درخشان نیا (معاون وزیر و رئیس سازمان ثبت احوال کشور) و دکتر حسینی (معاون استاندار خراسان رضوی) در موسسه‌ی توانبخشی همدم افتتاح شد.



♥ لبخند بهار در حضور پاییزی هنرمندان

دیدار هنرمند سینما و تلویزیون (نازنین بیاتی) و نویسنده و کارگردان (حامد محمدی) لبخندهای سرد پاییزی را برای فرزندان همدم دلچسب کرد.



♥ بازدید تخصصی فنی‌ها از همدم

تعدادی از مدیران و معاونین اداره‌ی کل فنی-حرفه‌ای خراسان رضوی به‌طور تخصصی از کارگاه‌های فرزندان هنرمند همدم بازدید کردند.



♥ این خانه بوی حرم گرفت

جمعی از اهالی حرم امام مهربانی‌ها با فرزندان این خانه به مناسبت گرامیداشت روز جهانی معلولین دیدار کردند.



♥ میزبانی از لیلا ی همدم ودانایی هنرمند

«لیلا بلوکات» و «امیرعلی دانایی» (بازیگران سینما و تلویزیون) میهمانان یک سفر پاییزی پر از مهر و همدلی در همدم بودند.



♥ افتتاح کارگاهی که زیور همدم است

کارگاه «زیور آلات مهرای» با همکاری سازمان میراث فرهنگی مشهد و حمایت و هدایت هنرمندان دلسوز خانم‌ها «امیدفر» و «بریشمی» در مؤسسه‌ی همدم افتتاح شد.



♥ موج موفقیت در ساحل طبرستان

فرزندان افتخار آفرین همدم که همراه با دکتر زهرا حجت، مدیرعامل مؤسسه، در المپیک ویژه‌ی ایران در شهر ساحلی طبرستان شرکت کرده‌بودند، با کسب چند مقام قهرمانی در رشته‌های فلوربال، بدمینتون و بوچا، خوش درخشیدند.



♥ قرار دوباره‌ی هنرمندان و قهرمانان در همدم

قهرمان و شوی جهان، شهر بانو منصوریان، همراه با ستارگان سینما و تلویزیون، پویا امینی، علی صالحی، آرام جعفری، فرحناز منافی ظاهر و شراره ارمغانی برای بازدید به مؤسسه همدم آمدند.

♥ مهربانی استاندار و میزبانی ما در نمایشگاه پژوهش

علیرضا رشیدیان، استاندار خراسان رضوی، ضمن حضور در نمایشگاه پژوهش دانشگاه علمی کاربردی بهزیستی و تأمین اجتماعی خراسان رضوی، با مهربانی پدران در غرفه‌ی فرزندان هنرمند همدم حضور یافت.

روی پل زندگی، آنچه از رفت و
آمدها و تکرارها به جا می ماند،
آرزوها و انتظارهای بی پایان است -
و امیدی که؛ روزی با دستهای
مهربان خواهد آمد ---



زلزله‌ای در غرب و زلزله‌ای در قلب...

گزارش کوتاهی از ۴ شب برگزاری نمایشگاه همدم حامی - ۳۰ آبان تا سوم آذر



زمستان ۹۶

۳۴



ارسال شد؛ آثاری فراهم آمد که در نوع خود بی نظیر بود و هنرمندان بدون هیچگونه چشمداشتی و با اشراف به اینکه کلیه‌ی عواید فروش آثار به نفع آسیب دیدگان زلزله خواهد بود، آثارشان را عرضه کردند.

سرانجام، سی‌ام آبانماه سال یکهزار و سیصد و نود و شش فرارسید و در غروبی زیبا و پرخاطره، یک برگ باشکوه از همدلی و نوع‌دوستی و عشق، به دفتر خاطرات تلخ و شیرین ما و همزیستی آدمیان، اضافه شد... هنرمندان خراسان، همراه با خیرین نیک‌اندیش، برای شرکت در آئین افتتاحیه‌ی نمایشگاه «همدم حامی» در نگارخانه‌ی همدم گرد هم آمدند تا یکصدا بگویند: بخشنده بودن، بیش از آنکه توان مالی بخواهد، قلبی بزرگ می‌طلبد و هنرمندان خراسانی به همراه مسئولین و فرزندان توانبخشی همدم و پیشکسوتان و اساتید انجمن خوشنویسان مشهد، با این کار انسانی و در نوع خود بی‌نظیر، اثبات کردند که برای مهربانی و مهربان بودن، مثل همیشه پیش قدم هستند.

آئین گشایش نمایشگاه «همدم حامی» اگرچه خیلی رسمی و مفصل نبود، اما در فضایی صمیمی و گرم، با حضور تعداد زیادی از خیرین، هنرمندان و همچنین حضور ارزشمند دکتر حمید درخشان نیامعاون وزیر و رئیس سازمان ثبت احوال کشور، دکتر حسینی معاون استاندار خراسان رضوی، استاد صحافی مقدم نائب رئیس شورای عالی انجمن خوشنویسان ایران، اکبر صابری فر، ریاست محترم هیأت مدیره‌ی توانبخشی همدم برگزار شد.

سیر و سیاحت در آفاق نمایشگاه، توقف‌های گاه طولانی پای هر یک از تابلوها و گوشودن پنجره‌های خیال به سمت دنیاهای نقش و خطوط و تزیین و گل و آسمان آبی و افق ابری و...، خاطره‌ی ما و همه‌ی کسانی شد که پس از بریدن روبان افتتاحیه، در شطی از موسیقی و تصویر شناور شدیم و در دور دست، به دل‌های زخمی و زلالی رسیدیم که این شب‌ها، در خرابه‌های شهر و روستای خود، با چشم‌های اشکبار انتظار، برای طلوع خورشید فردا لحظه‌شماری می‌کنند.

نخستین شب از چهارشب برگزاری نمایشگاه همدم حامی، با تماشا و تامل و گاهی خرید حاضران، به پایان رسید اما از جمله دیدنی‌های این نمایشگاه که به شکل جنبی و غیر رسمی، توجه بسیاری از شرکت کنندگان را به خود جلب می‌کند، حضور خانواده‌ای از گردهای

بر شانهای زاگرس، جایی که آفتاب ایران غروب می‌کند، زمین و زمان، در ۲۱ آبان ۱۳۹۶، تکان خورد و خورشید زندگی بسیاری مردمان مهربان هم‌میهن، خاموش شد. خاک، هستی گردهای صبور و سربلند میهن ما را بلعید و ایران به خود لرزید... ابراز همدردی، دسته‌گلی غمگین و نسیمی گرم و روح‌نواز بود که از هر گوشه‌ی ایران بزرگ، راهی سرزمین کرمانشاهان شد.

ساکنان خانه‌ی همدم هم که معنی همدلی و همبستگی و یآوری را خوب می‌دانند، بی‌درنگ پیام همدردی دادند تا در این جهاد خودجوش عشق‌ورزی و مهربانی، سهیم شوند... در بخشی از پیام همدم آمده بود: «...بیخشید ما را، اگر در دست‌های کوتاه و کوچک ما بیش از این ممکن نیست. هر چند ظاهراً در کنار تان نیستیم تا اشک‌های داغتان را با آستین مهر و نوازش، از گوشه‌ی چشم خون‌آلود و چهره‌ی خش‌دار و پیشانی پرگرد و غبارتان پاک کنیم، اما فراموشتان نمی‌کنیم...»

و مردم، به یکباره بارود خروشان مهربانی و نوازش و همدردی به میدان و خیابان آمدند...

موسسه‌ی همدم نیز، به ارسال پیام اکتفا نکرد... ابتدا، میزان قابل توجهی از کمک‌های نقدی و غیرنقدی همکاران و یاوران موسسه، جمع‌آوری و راهی مناطق زلزله‌زده شد... سپس، اتفاق درخشانی شکل گرفت؛ به پیشنهاد انجمن خوشنویسان مشهد، و با حمایت مؤسسه توانبخشی همدم، در مدت زمانی کوتاه برگزاری نمایشگاهی از هنرهای تجسمی به نفع زلزله‌زدگان کرمانشاه، کلید خورد و طی سه روز، بیش از یکصد و ده اثر زیبا و ارزشمند هنری از هنرمندان شهرمان مشهد و همچنین هنرمندان خوب و توانای کاشمر، نیشابور و قوچان به مرکز توانبخشی همدم



تماشای آثار زیبای هنرمندان نقاش و خوشنویس و خرید برخی تابلوها، قامت رعنا و دستهای توانای خود را در آیینی خیر و احسان و خدمت، زیباتر از همیشه به نظاره ایستادند. بعد از اتمام نمایشگاه هم تعداد زیادی از آثار هنری برای برنامه‌های مشابه «همدم حامی» به تهران فرستاده شد و تعدادی از عزیزان هنرمند از جمله استاد حسین صالحی، استاد هادی سیدخوانی، آقای رضا فردوسی، آقای سعید خادمی، خانم مهناز کمالیان و خانم ریحانه سلطانی، آثار خود را به رسم یادگاری به مؤسسه‌ی همدم هدیه کردند.

از اینکه در چنین سرزمین پر خیر و برکتی زیست می‌کنیم و چنین هنرمندان عاشق و هموطنان باشکوهی داریم، به خود بالیدیم و با اعتقاد عمیق به اینکه؛ هنر و انسانیت دو بال ضروری پروازند، زمزمه کردیم:
هنر که هدیه‌ی عشق است، جاودانه شود
اگر به داد دل و دست مردمان برسد....

خراسانی است که به‌منظور سپاس و قدردانی از هنرمندان و خریداران آثار نمایشگاه و مشارکت در این خیر هنری، یکی از سمبولهای عاشقانه‌ی این قوم را با عنوان سیوین یا سیب عشق (سیب مزین به گل میخک)، به خریداران آثار هدیه می‌کنند و یکی از این سیوین‌ها را هم به دکتر حمید درخشان نیا تقدیم کردند که با اقبال و تحسین ایشان همراه بود. نمایشگاه «همدم حامی» تا تاریخ سوم آذرماه، ادامه یافت. چهار شب از پی هم آمدند و رفتند و فضای نگارخانه‌ی همدم، در شب‌های نیمه‌سرد آذرماه، با لبخندهای مهربان اهل حال و هنر، گرم و گرم‌تر شد... مردمان مهربان و خیر خواهان و میهن دوست و انسانهای دلسوز و قدردان و هنر شناس، دسته‌دسته به نگارخانه‌ی همدم آمدند و ضمن

سیاه کوچکم، بخوان

عرفان نظرآهاری

کلاغ، لکه ای بود بر دامن آسمان و وصله ای ناجور بر لباس هستی. صدای ناهموار و ناموزونش خراشی بود بر صورت احساس. با صدایش نه گلی می شکفت و نه لبخندی بر لبی می نشست. صدایش اعتراضی بود که در گوش زمین می پیچید. کلاغ خودش را دوست نداشت، بودنش را هم.

کلاغ از کائنات گله داشت.

کلاغ فکر می کرد در دایره ی قسمت نازیبایی تنها سهم او ست.

کلاغ غمگین بود و با خودش گفت:

- کاش خداوند این لکه ی زشت را از هستی می زدود.

پس بال هایش را بست و دیگر آواز نخواند.

خدا گفت:

- عزیز من! صدایت ترنمی است که هر گوش شنوای آن نیست اما فرشته ها با صدای تو به وجد می آیند.

سیاه کوچکم! بخوان فرشته ها منتظرند.

ولی کلاغ هیچ نگفت.

خدا گفت:

- تو سیاهی. سیاه چونان مرکب که زیبایی را از آن می نویسند و زیبایی ات را بنویس. اگر تو نباشی، آبی من چیزی کم خواهد داشت. خودت را از آسمانم دریغ نکن.

و کلاغ باز خاموش بود.

خدا گفت:

- بخوان، برای من بخوان. این منم که دوستت دارم، سیاهی ات را و خواندنت را.

و کلاغ خواند، این بار عاشقانه ترین آوازش را.

خدا گوش داد و لذت برد و جهان زیبا شد.





تالار همایش ما همدم

مؤسسه خیریه توانبخشی همدم - فتح المبين

همایش ها و برنامه هایتان را با کار خیر همراه کنید.

(درآمد حاصل از تالار، صرف هزینه های زندگی ۴۰۰ دختر بی سرپرست می شود.)

مشهد | خیام شمالی | عبدالمطلب ۵۸ | تلفن : ۱۳-۳۷۱۱۲۱۱۱ - ۰۵۱

مسکن کارت : ۰۶۰۴۰۵۰۴۶۰۲۳۱۴۶۰۲۸۰۶۲۸ | سامانه پیام : ۰۲۶۰۰۰۰۰۳۰

رزرو تالار و مشارکت آنلاین : www.hamdam.org



www.ranafood.ir



شرکت منابع غذایی رانا پاکستان



Classic

HOME & HOTEL FURNITURE



مبلمان کلاسیک

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار ملک آباد، خیابان فرهاد.

تیش فرهاد، ۸، پلاک ۲۵

تلفن: ۳۱ ۳۱ ۷۶۷ - ۲۶۷ ۲۶ ۷۹



شیرینی خانگی فرشته

Fereshkteh
CONFECTIONERY

SINCE 2009

نشانی جدید شعبه ۱

شعبه ۱ | مشهد | بلوار ملک آباد | نیش قدس ۱۲ | ۳۷۶۲۶۴۰۰
شعبه ۲ | مشهد | احمد آباد | نیش ابوذر غفاری ۳۹ (کوهسنگی ۲۳) | ۳۸۴۱۳۹۱۳
شعبه ۳ | مشهد | هاشمیه ۱۰ | چهارراه دوم سمت چپ | بین لاله ۱۲ و ۱۴ | ۳۸۸۳۷۴۶۰

دای پیکام ۹۰۰۰ خالدیست

تلفن: ۰۵۱-۳۷۱۱۲۱۱۱-۱۳

روابط عمومی: ۰۵۱-۳۷۱۲۱۱۲۱

پاسخگویی شبانه روزی: ۰۹۳۵۱۲۵۶۲۶۲

نیک اندیشان ارجمند؛

جناب آقای دکتر مهدی کامگاری
جناب آقای دکتر محمدحسین طیرانی
جناب آقای دکتر جعفر کلاهی
جناب آقای مهندس مرتضی اعزازی
جناب آقای سیدجلال میرشفیعی
جناب آقای علیرضا روبندفروش
سرکار خانم نجیبه آخوندی

همکاران گرامی:

جناب آقای محمدتقی نوباغی
سرکار خانم صغری کارگر
سرکار خانم الهه قویدل
سرکار خانم طلعت ثقفی

همدم و اهالی این خانه خود را در اندوه فقدان عزیزانتان شریک می دانند.
همدردی ما را پذیرا باشید.



۹۷۶۵ ۰۴۹

CARD / کارتی



چند لحظه علمی
و آموزشی



نگاهی به: دلایل و درمان ناتوانی‌های کودکان در یادگیری:

لزوم دنبال کردن عادت‌های خوب



زمستان ۹۶

۴۴



دکتر ابراهیم عبدالهیان / روانپزشک - فلوشیپ کودکان و نوجوانان / استاد دانشگاه علوم پزشکی مشهد

این بیماری، در انجام فعالیت‌هایی که به یادگیری زبان مربوط است (مانند خواندن و نوشتن، فهم دستور زبان، درک مطلب، گفتگو و تمرکز در هنگام مکالمه) مشکلاتی برای کودکان ایجاد می‌کند.

دیس گرافیا (اختلال در نوشتن)

این بیماری، مهارت نوشتاری فرد را دچار اختلال می‌کند. افرادی که به این بیماری مبتلا هستند، غالباً با مشکلاتی از جمله دستخط بد و اختلال در هجی کردن کلمات روبرو هستند.

دیسکلکولیا (اختلال در ریاضی با محاسبه):

افراد مبتلا به این بیماری، در ریاضیات با مشکل مواجه هستند. البته این مشکل در افراد مختلف، علایم متفاوتی دارد. دیسکلکولیا می‌تواند کودکان را در یادگیری محاسبات ریاضی و تشخیص اعداد، با مشکل مواجه کند. این کودکان با بالا رفتن سن، حتی در حل مسائل ساده ریاضی یا حفظ کردن جدول ضرب نیز با مشکل مواجه خواهند شد.

اختلال در پردازش شنوایی:

این مشکل مربوط به پردازش صداها توسط فرد است. معمولاً این بیماران در موارد زیر دچار مشکل هستند:
یادگیری مهارت‌های مطالعه
تشخیص صداها پس از زمینه
دنبال کردن مسیر صدای دیگران
درک تفاوت میان کلماتی که صداها مشابه دارند
حفظ کردن آنچه که شنیده‌اند

اختلال در پردازش بینایی

شخصی که دچار اختلال در پردازش بینایی است، در فهم اطلاعات دیداری نیز ضعف دارد. چنین افرادی در خواندن یا درک تفاوت میان اشیایی که دیده‌اند، با مشکل مواجهند. معمولاً افرادی که دچار اختلال در پردازش بینایی هستند در برقراری هماهنگی میان چشم‌ها و دست‌ها نیز با مشکل روبرو می‌شوند.

ناتوانی در یادگیری، مشکلی است که بر دریافت و پردازش اطلاعات در مغز تأثیر می‌گذارد. این ناتوانی ممکن است باعث شود کودکان در انجام فعالیت‌هایی مانند خواندن، نوشتن، انجام تمرینات ریاضی و تشخیص جهت‌ها با مشکل مواجه شوند.

ناتوانی در یادگیری، ارتباطی با میزان هوش کودکان ندارد. افرادی که دچار این اختلال هستند، ممکن است در دیدن، شنیدن و فهم و درک، به گونه‌ای متفاوت عمل کنند. آنها در انجام فعالیت‌های روزمره مانند مطالعه یا حتی تمرکز در کلاس درس با مشکل روبرو می‌شوند.

این کودکان می‌توانند با دنبال کردن روش‌هایی، بر ناتوانی‌های یادگیری غلبه کنند.

انواع مختلف ناتوانی در یادگیری

انواع مختلفی از ناتوانی‌های یادگیری وجود دارند. باید توجه داشت اختلال‌هایی همچون بیش‌فعالی (ADHD) و اوتیسم، نباید به عنوان ناتوانی‌های یادگیری در نظر گرفته شوند.

اصلی‌ترین انواع ناتوانی‌های یادگیری عبارتند از:

دیسپراکسیا (نارسایی حرکتی)

این بیماری، مهارت‌های حرکتی فرد را با مشکل مواجه می‌کند. کودکی که به این بیماری مبتلاست، در انجام فعالیت‌هایی از جمله برداشتن اشیاء یا بستن بند کفش با مشکل مواجه می‌شود و بعدها در انجام فعالیت‌هایی مانند نوشتن یا تایپ کردن نیز با مشکل مواجه خواهد شد.

مشکلات دیگری که به دلیل بیماری دیسپراکسیا ایجاد می‌شود، عبارتند از:

دشواری در صحبت کردن
حساس شدن به نور، لمس فیزیکی، طعم‌ها و بوها
اختلال در حرکت چشم‌ها

دیسکلکسیا (اختلال در خواندن)

♥ تشخیص ناتوانی و مشکلات یادگیری:

از آنجا که علائم اختلالات یادگیری در کودکان، متفاوت است، تشخیص این مشکل دشوار خواهد بود. به علاوه، بسیاری از کودکان مبتلا به این بیماری، سعی در پنهان کردن آن دارند. بنابراین ممکن است تنها چیزی که در مورد این کودکان متوجه شوید، این باشد که از تکالیف مدرسه شکایت داشته یا علاقه‌ای به رفتن به مدرسه نداشته باشند.

موارد زیر می‌توانند نشانه‌های اختلالات یادگیری باشند:

بی‌علاقگی نسبت به خواندن یا نوشتن

مشکل در به خاطر سپاری و حفظ کردن مطالب

کند کار کردن

مشکل در جهت‌یابی

مشکل در تمرکز بر انجام فعالیت‌ها

دشواری در فهم ایده‌های انتزاعی (توانایی استنباط و درک مفاهیم)

بی‌توجهی به جزئیات یا توجه بیش از حد به آنها

ضعف در ارتباطات اجتماعی

اختلال حواس

قبل از تشخیص قطعی بیماری، لازم است با چندین پزشک متخصص در این خصوص مشورت کنید. ممکن است پزشکان متخصص، بسته به نوع اختلال کودک، ارزیابی توسط روانشناس بالینی مانند روانشناس مدرسه، روانشناس رشد کودک، یا گفتار‌درمانگر، را توصیه کنند. با توجه به مشکلاتی که این کودکان با آنها مواجهند، برای ارزیابی مشکل، به صورت ریشه‌ای، چندین تست برای تشخیص دقیق بیماری انجام خواهد شد.

♥ تشخیص بموقع ناتوانی‌های یادگیری

تشخیص نشانه‌های اولیه ناتوانی‌های یادگیری باعث می‌شود والدین بتوانند هر چه سریعتر به کودک کمک کنند. کندی در انجام فعالیت‌هایی مانند راه رفتن، صحبت کردن یا برقراری روابط اجتماعی، در خصوص کودکان نوپا و کودکانی که هنوز در سن رفتن به مدرسه نیستند، می‌تواند علامت وجود ناتوانی در یادگیری باشد.

آموزش کودکان استثنایی، رایج‌ترین روش درمانی برای درمان ناتوانی‌های یادگیری است. کودکانی که دچار مشکلات یادگیری هستند، باید بتوانند در مدارس دولتی، به طور رایگان تحت آموزش‌های خاص قرار گیرند. پس از ارزیابی وضعیت کودک و مشخص شدن اینکه کودک دچار مشکلاتی در یادگیری است. گروهی از معلمان، برنامه آموزشی مختص کودک شما را طراحی کرده و تعیین می‌کنند که ارائه کدامیک از خدمات آموزشی، می‌تواند به موفقیت کودک در مدرسه کمک کند.

به علاوه معلمان به کودک کمک می‌کنند تا بر نقاط قوت خود در یادگیری تمرکز کرده و به این ترتیب نقاط ضعفی که در این زمینه دارد را جبران کند. البته منابع و برنامه‌های دیگری که خارج از سیستم مدارس دولتی هستند نیز می‌توانند به کودکانی که ناتوانی‌هایی در یادگیری دارند کمک کنند، از جمله:

مدارس خصوصی که مختص درمان کودکان با ناتوانی‌های یادگیری

هستند.

فعالیت‌های فوق برنامه که مختص کودکان با ناتوانی

های یادگیری طراحی شده

استخدام معلم خصوصی یا استفاده از خدمات درمانی، به

یاد داشته باشید که ناتوانی‌های یادگیری، مانعی در مسیر

موفقیت کودکان نخواهند بود. چرا که کودکان می‌توانند

با به کارگیری ابزارهای صحیح، بر ناتوانی‌های یادگیری

غلبه کنند.

نگهداری از کودکانی که ناتوانی‌هایی در یادگیری دارند.

اطلاع از اینکه کودک شما دچار ناتوانی در یادگیری است.

ممکن است شما را آشفته و ناراحت کند. بسیاری از والدین

تصور می‌کنند فرزندشان تشخیص ناتوانی کودک، امری بسیار

خسته کننده است و حتی پس از تشخیص ناتوانی کودک،

کمک به او و برآوردن نیازهایش بسیار دشوار خواهد بود.

اما در نظر داشته باشید بهترین کاری که شما می‌توانید

به عنوان پدر یا مادر انجام دهید، خیلی ساده است و در این

خلاصه می‌شود که کودک خود را دوست داشته باشید و

حمایتش کنید.

ناتوانی‌هایی در یادگیری دارد کمک کنید.

همه چیز را یاد بگیرد؛ سعی کنید هر آنچه در مورد ناتوانی

یادگیری کودکان وجود دارد بیاموزید. به این ترتیب می

توانید در انتخاب بهترین روش درمانی برای کودک، نقش

فعال ایفا کنید.

حامی کودک تان باشید؛ سعی کنید با مدرسه کودک تان

در تماس باشید تا بتوانید شیوه آموزش فردی مشخص را

برای وی برنامه ریزی کنید. این برنامه باید به گونه‌ای باشد

که اهداف آموزشی خاصی را برای کودک در نظر گرفته

و اقداماتی که جهت دستیابی به آن اهداف لازم است را

نیز دربرگیرد. درک قوانین مربوط به آموزش‌های ویژه و

سیاست‌های خاص مدارس، باعث می‌شود که کودک شما،

موارد آموزشی لازم را حتی در خارج از مدرسه نیز فرا گیرد.

اکنون بسیاری از این خدمات آموزشی در دسترس هستند.

اما طبیعی است تا زمانی که برای دریافت آنها اقدامی نکرده

باشید، نمی‌توانید از آنها استفاده کنید.

اطمینان حاصل کنید که کودک شما عادت‌های زندگی

سالم مانند ورزش، خواب کافی و برخوردار بودن از یک رژیم

غذایی سالم را دنبال می‌کند.

به وضعیت خلقی کودک توجه کنید: ناتوانی‌های

یادگیری می‌تواند موجب کاهش اعتماد به نفس او شود.

بنابراین لازم است به بروز نشانه‌های افسردگی در کودک

مانند بدخلقی، تغییر اشتها، خواب‌یابی یا بی‌علاقگی به انجام

فعالیت‌های روزمره توجه داشته باشید.



مستان ۹۶

۴۵





کنکاشی پیرامون یکی از امراض جهان متمدن؛

نوموفوبیا، اضطراب جدایی از موبایل!

تالیف: صدیقه بختیاری شهری / مدرس دانشگاه و مسئول آموزش مؤسسه همدم

یا روابط خود را فدا می کنند تا خود را به مکان یا شرایطی برسانند که بتوانند به شبکه های اجتماعی یا ایمیل یا پیامک های خود دسترسی پیدا کنند. نوموفوبیا در واقع نوعی اختلال روانی محسوب می شود. اختلال های اضطرابی ۳ اصطلاح رایج است؛ وسواس، فوبیا و وابستگی. وسواس فکر یا عملی تکرار شونده است که به مرور برای فرد یا اطرافیان او آزار دهنده می شود و می تواند باعث اختلال در روابط فرد شود و سطح اضطراب او را بالا ببرد. وابستگی به حالتی می گویند که در آن فرد از نظر روانی یا جسمی به موضوعی نیاز پیدا کند و نبود آن باعث اضطراب شدید و بروز اختلال در کار تحصیل یا روابط بین فردی شخص شود. فرد وابسته به هر کاری دست می زند و ممکن است حتی برخی موارد را قربانی کند تا به نیازش برسد. فوبیا نیز شایع ترین اختلال روانی در دنیاست و ۱۰ درصد افراد به آن دچار هستند. فوبیا ترس غیر منطقی از روبرو شدن با موضوعی کاملاً مشخص است. فرد مبتلا حتی نمی تواند در مورد آن موضوع فکر یا صحبت کند و روبرو شدن با ترس، باعث حالات اضطرابی شدید در فرد می شود.

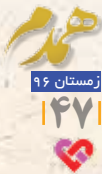
میزان شیوع نوموفوبیا

گرایش به تکنولوژی، اینترنت و شبکه های اجتماعی در حال حاضر بیشتر شده است. در حالت عادی، همه افراد تلفن همراهشان را بررسی می کنند و وارد شبکه های اجتماعی می شوند تا نیازهای روانی خود را ارضا کنند اما اگر نخستین پای تلفن همراه باعث شود فرد از کار و تحصیل عقب بماند یا روابط

اگر به شما بگویند قرار است تلفن همراهتان به مدت یک هفته در یک محفظه ای امن نگهداری شود و شما حق استفاده، لمس و حتی نگاه کردن به آن را ندارید، چه عکس العملی نشان می دهید؟ دانه های عرق روی پیشانی تان می نشیند؟ لب های تان می لرزد؟ مانند بچه های دو ساله کج خلقی می کنید؟ و یا اینکه نمی دانید چه عکس العملی نشان دهید؟ طی ۵ سال اخیر محققان مختلفی از سراسر دنیا به بررسی و تحقیق درباره ی تاثیر فناوری های جدید از جمله تلفن همراه بر سلامت کاربران پرداخته اند. ترس از جدا شدن از تلفن همراه، نوعی بیماری است که در علم روان شناسی نوموفوبیا نامیده می شود و به معنی ترس از بدون موبایل بودن، است.

نوموفوبیا به چه معنی است؟

نوموفوبیا در واقع اصطلاحی است که آن را ترس از دست دادن تلفن همراه معنی می کنند. اما منظور از تلفن همراه وسیله ای برای حرف زدن نیست. بلکه ابزاری برای دیده شدن و دیدن است. منظور، نگرانی از قطع آنتن، قطع اینترنت، تمام شدن شارژ و قطع ارتباط با شبکه های اجتماعی و اینترنت است. افراد دچار نوموفوبیا، دائم تلفن همراهشان را بررسی می کنند و اگر تلفن همراه یا حتی اینترنت نداشته باشند، کار



مشکلات ژنتیک از جمله اصلی ترین آسیب های جسمانی است که فرد دچار این وابستگی به آن مبتلا می شود. حتی بروز اختلالات جنسی و کاهش توان باروری و نهایتاً ناباروری نیز از عواقب ناخوشایند این بیماری عنوان شده است. به دلیل استفاده زیاد و طولانی مدت از دست ها، خطر ابتلا به التهاب مفاصل انگشتان نیز بیماری شایعی در این افراد است.

پیامدهای اجتماعی: وابستگی به تلفن همراه منجر به اختلال در درس خواندن، فعالیت های روزانه، کار، روابط خانوادگی و زندگی اجتماعی می شود. فرد دچار اختلال را از جمع روابط صمیمانه خانوادگی دور کرده و باعث می شود هوشیاری کمتری نسبت به محیط اطراف خود داشته باشد، فرد با گذراندن ساعت های زیادی با تلفن همراه خود کم کم علاقه خود را به محیط اطراف از دست می دهد.

برخی از رایج ترین راهکارهای درمان این بیماری، شامل موارد زیر می شود:

آموزش آرامش ذهنی: در این روش به بیمارانی که دچار علائم جسمی از جمله تپش قلب، گرفتگی عضلات و ... می شوند راه هایی از جمله کاهش اضطراب آموزش داده می شود که شامل تمرین های آرام سازی بدن و دور کردن تنش عضلانی است.

آموزش این تفکر که موبایل یک وسیله است و نه چیز دیگر: مثلاً به بیمار آن آموزش داده می شود اخبار روزمره را از روی تلفن همراه خود پیگیری نکنند و تنها برای برقراری تماس از آن استفاده کنند.

آموزش راه حل جایگزین: به بیشتر مبتلایان توصیه می شود همیشه همراه خود یک کارت تلفن داشته باشند تا هر وقت که نتوانستند از گوشی تلفن همراهشان تماس بگیرند، از آن کارت استفاده کنند. در ضمن لیستی از مخاطبان و شماره تلفن های افرادی که با آنها در ارتباط هستند را تهیه نمایند تا در صورت گم کردن تلفن همراه با آنها در ارتباط بمانند.

در نظر گرفتن ساعت مشخص برای فرد: باید سعی کرد تا استفاده فرد را از این وسیله محدود کرد و تنها وقتی از آن استفاده کند که نیاز به زنگ زدن داشته باشد. برای مثال می تواند بازی های گوشی را پاک کند یا از برنامه های اینترنتی آن کمتر استفاده کند. لزومی ندارد که شب ها اخبار را از اینترنت بگیرد، باید فرد تنها به گوشی خود به عنوان یک وسیله ارتباطی ساده نگاه کند و یا اینکه به جای عضویت در چنین شبکه اجتماعی حداقل در یک شبکه فعالیت داشته باشد.

منابع:

Techopedia

Nomophobia

مؤسسه تحقیقاتی youGov

هفته نامه ای سلامت

بین فردی اش مختل شود نوعی اختلال روانی است. به طور طبیعی، افراد در طول روز ۱۰۰ مرتبه تلفن همراهشان را بررسی می کنند اما ممکن است فرد بیکار یا تنهایی برای رفع نیازهای خود تمام روز پای تلفن همراه بنشینند. این اختلال روانی محسوب نمی شود. در صورتی که زندگی فردی به دلیل بررسی کردن شبکه های اجتماعی یا وصل شدن به اینترنت و ... مختل شود، دچار وسواس یا وابستگی یا فوبیاست. خوشبختانه به نظر می رسد فرهنگ استفاده از تکنولوژی کم کم در حال جافتادن بین مردم است و این روزها افراد کمتری در مهمانی ها، سر در تلفن همراه خود فرو می برند، چون می دانند این کار در نگاه دیگران منفور است.

چه کسانی مستعد ابتلا به این اختلال های روانی هستند؟

این مساله به عوامل مختلفی بستگی دارد. مثلاً افراد خودشیفته و مبتلا به وسواس اجباری مستعد اختلال های روانی از این قبیل هستند. برخی نیازهای فردی مثل تنهایی نیز گاهی افراد را به سمت وابستگی به تکنولوژی سوق می دهد.

اختلال های روانی بیشتر در افراد جوان دیده می شود و شیوع آن در مردان و زنان یکسان است. اما ممکن است حتی یک فرد ۵۰ ساله هم با شخصیت نمایشی با خودشیفته، دچار نوموفوبیا شود.

درمان نوموفوبیا

درمان مبتلایان به اختلال های روانی به همکاری خود آنها نیاز دارد اما کمتر بیماری شخصاً برای درمان مراجعه می کند زیرا نیاز روانی اش از این طریق رفع می شود. بیشتر، خانواده ها بیمار را به روان شناس ارجاع می دهند ولی تا خود شخص نخواهد در جلسات درمانی شرکت نمی کند. فرد ابتدا باید بپذیرد که عملکردش دچار اختلال شده است. درمان ها شامل رفتار درمانی و کار درمانی و گاهی دارودرمانی است. در صورتی که شخصیت فرد در این میان دخیل باشد روان درمانی مفید است اما در صورتی که فرد فوبیا داشته باشد، آرام آرام باید او را با ترس و اضطراب ناشی از آن روبرو کرد. پیش از این برای درمان فوبیا، فرد را ناگهانی با ترسش روبرو می کردند اما این روش در حال حاضر به ندرت انجام می شود. اگر تلفن همراه را از فرد وابسته به تکنولوژی بگیرد یا اینترنت را قطع کنید سطح اضطرابش را بالا می برد. بهتر است این کار آرام آرام زیر نظر متخصص انجام شود. در ضمن باید جایگزینی مثل ورزش، تفریح و ... برای آن در نظر گرفته شود.

در تحقیقاتی که انجام شده است نشان می دهد زنان بیشتر از مردان درگیر این بیماری می شوند و در مقایسه با ۶۱ درصد مردانی که می ترسند از گوشی خود جدا شوند، ۷۰ درصد زنان هستند که این ترس را در خود دارند. البته در مقابل تحقیقات نشان می دهد که بیشتر مردان هستند که تمایل دارند دو گوشی همراه خود داشته باشند که اگر یکی از آنها از دست دادند دچار استرس زیادی نشوند.

عوارض و پیامدهای زیادی برای استفاده طولانی مدت از گوشی های تلفن همراه و وابستگی به آن مطرح شده است.

عوارض جسمانی: احتمال ایجاد و گسترش تومورهای سرطانی و آسیب پذیری بدن در برابر عوامل بیماری زا، اختلالات خواب، فراموشی، سردرد و افسردگی، احساس داغی در داخل سر، افزایش احتمال ابتلا به آلزایمر و بروز

پرسشنامه اعتیاد به اینترنت کیمبرلی یانگ

- ۱- چند وقت یکبار برای زمانی طولانی تر از آنچه که دوست داشتی، در اینترنت می مانی؟
- بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه
- ۲- چند وقت یکبار از انجام کارهای خانه صرف نظر می کنی تا زمان بیشتری را در اینترنت بمانی؟
- بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه
- ۳- چند وقت یکبار هیجان بودن در اینترنت را به گذراندن وقت خود با همسرت (یا هر دوست نزدیک) ترجیح میدهی؟
- بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه
- ۴- چند وقت یکبار به دنبال ایجاد ارتباط جدیدی با کاربران اینترنتی هستی؟
- بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه
- ۵- چند وقت یکبار افراد خانواده ات از مدت زمانی که در اینترنت صرف می کنی، ابراز ناراحتی می کنند؟
- بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه
- ۶- چند وقت یکبار مقدار زمانی که در اینترنت صرف میکنی، موجب انجام ندادن وظایف یا انجام تکالیف مدرسه ات می شود؟
- بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه
- ۷- چند وقت یکبار قبل از انجام هر کار ضروری، ایمیل خود را چک می کنی؟
- بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه
- ۸- چند وقت یکبار پرداختن به اینترنت، موجب ایجاد مشکل در کارت می شود؟
- بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه
- ۹- چند وقت یکبار، وقتی اطرافیان از شما می پرسند در اینترنت چکار می کنی، حالت دفاعی یا پنهان کاری به خود می گیری؟
- بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه
- ۱۰- چند وقت یکبار سعی می کنی خودت را از دست افکار آزارنده در زندگی، با مشغول کردن خود در اینترنت خلاص کنی؟
- بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه
- ۱۱- چند وقت یکبار، دوباره وارد اینترنت شدن را زودتر از زمانی که قصد داشتی شروع می کنی؟
- بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه
- ۱۲- چند وقت یکبار می ترسی که زندگیت بدون اینترنت ملال آور، پوچ و بدون شادی خواهد بود؟
- بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه
- ۱۳- هر چند وقت یکبار زمانی که در اینترنت هستی و کسی مزاحمت شود، ناراحت می شوی و به طور ناگهانی فریاد می زنی؟
- بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه
- ۱۴- چند وقت یکبار خوابت را به خاطر اینکه شب تا دیر وقت در اینترنت هستی از دست می دهی؟
- بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه
- ۱۵- چند وقت یکبار وقتی که در اینترنت نیستی احساس می کنی که بدجوری فکرت در پی آن است و هوس رفتن به اینترنت داری؟
- بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه
- ۱۶- هر چند وقت یکبار به خودت می گویی «فقط چند دقیقه دیگر» موقع رفتن به اینترنت است؟
- بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه



۱۷- هر چند وقت یکبار سعی می کنی مدت زمانی را که در اینترنت هستی را کوتاه کنی، اما نتوانستی؟

بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه

۱۸- هر چند وقت یکبار سعی می کنی مدت زمانی در اینترنت بودن را از دیگران پنهان کنی؟

بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه

۱۹- هر چند وقت یکبار صرف کردن وقت بیشتر در اینترنت را بر بیرون رفتن با دیگران ترجیح می دهی؟

بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه

۲۰- هر چند وقت یکبار احساس می کنی که وقتی در اینترنت نیستی افسرده یا عصبی هستی، در حالی که این احساس ها وقتی به اینترنت می روی از بین می روند؟

بندرت اوقات گاهی اوقات اوقات اغلب اوقات بیشتر اوقات همیشه

♥ شیوه نمره گذاری و تفسیر

تست اعتیاد به اینترنت یکی از معتبرترین تست های مربوط به سنجش اعتیاد اینترنتی است که توسط دکتر کیمبرلی یانگ ابداع شده است. این پرسشنامه دارای ۲۰ سوال بوده و هدف آن سنجش میزان اعتیاد به اینترنت در افراد مختلف می باشد. طیف پاسخدهی آن به صورت لیکرت بوده و دارای پنج درجه می باشد. نحوه امتیازدهی به این پنج گزینه در جدول زیر ارائه شده است:

بندرت	گاهی اوقات	اغلب	بیشتر اوقات	همیشه
۱	۲	۳	۴	۵

بنابراین برای بدست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه حاصل جمع امتیازات داده شده توسط پاسخ دهنده به تک تک سوالات پرسشنامه را با هم جمع می کنیم. نمره بدست آمده کلی پرسشنامه بوده و دامنه ای از ۲۰ تا ۱۰۰ را خواهد داشت. بدیهی است که هر چه این نمره بالاتر باشد، بیانگر اعتیاد بالاتر فرد به اینترنت خواهد بود و برعکس، در جدول زیر حالتهایی از میزان اعتیاد پاسخ دهنده به اینترنت عنوان شده است:

جمع نمرات ۲۰ تا ۴۹	عدم اعتیاد به اینترنت
جمع نمرات بین ۵۰ تا ۷۹	در معرض اعتیاد به اینترنت
جمع نمرات بین ۸۰ تا ۱۰۰	اعتیاد به اینترنت

♥ روایی و پایایی:

این پرسشنامه استاندارد است و روایی و پایایی آن در مطالعات قبلی با آلفای کرونباخ ۰/۹۰ گزارش شده است. نسخه ی فارسی این مقیاس در ایران نیز مورد استفاده قرار گرفته و ناسستگی زایی پایایی آن را با آلفای کرونباخ ۰/۸۱ و قاسم زاده با آلفای کرونباخ ۰/۸۸ تایید کرده اند. (به نقل از بحری و همکاران، ۱۳۹۰)

♥ منابع:

.InternetAddiction: Symptoms, Evaluation, and Treatment (۱۹۹۹) Reference: Young, k, s
Innovations in Clinical Practice, (۱۹۹۹), (.Reproduced from VandeCreel, L., Jackson, t., L (e.d
(۱۷), Professional Resource Press

- بحری، نر جیس، صادق مقدم، لیلا، خدادوست، لیلی، محمدزاده، جلال، بنفشه، الهه (۱۳۹۰)، وضعیت اعتیاد به اینترنت و ارتباط آن با سلامت عمومی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد، مراقبت های نوین، فصلنامه علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی بیر جند، ۸(۳)، ۱۶۶-۱۷۳





نقاشی؛ عمل پیوند اندیشه به احساس!

نقاشی در کودکان کم توان ذهنی بسیار مهم است

♥ اعظم منعمی زاده / دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباط تصویری - گرافیک

با کپی برداشتن و رسم هندسی کشیدن به معنی رها کردن کودک به حال خود یا مجبور کردن او برای ورود زودرس به زندگی سرکوبگر است. در این تصویر یکی از دختران موسسه همدم را نشان می دهد که خودش را در طبیعت فرض می کند و اگر چه که فضای نقاشی روز را نشان می دهد، اما ستاره هم در آسمان دیده می شود.*

از آنجا که پرورش فکری کودکان عقب مانده ذهنی به صورت آرامی صورت می گیرد، نقاشیهای آنها نیز دارای موضوع و خصوصیات عجولانه ای است که خاص این کودکان است و به علت وقفه و تأخیر در رشد فرایندهای ادراکی، حافظه، شناخت و بصیرت، نقاشی آنان دارای مشخصاتی است که با نقاشی های کودکان عادی متفاوت است. این کودکان، معمولاً به دلیل نقص، تشبیت و یا تأخیر در رشد هوش نمی توانند از تجربیات گذشته، درک مفاهیم و تصورات ذهنی استفاده کنند و آنها را در نقاشیهایشان به کار برند. همچنین به دلیل ضعف در تواناییهای یادگیری، استدلال و سازگاری با محیط، اختلال یادگیری را در فرایندهای مختلف ادراکی، شناختی، حافظه، تجسم فضایی و بصری نشان می دهند.

کودک عقب مانده ذهنی فاقد کنجکاویهای خلاقانه است. معمولاً این کودکان در کلاس نقاشی دچار احساس کسالت و افسردگی می شوند. زیرا دارای شوق و انگیزه برای ترسیم اشیاء و مناظر نیستند و معلم نمی تواند روش تدریس ثابتی را در زمینه نقاشی به کار بندد تا نهایتاً به نتیجه مطلوبی برسد.

عدم کنجکاوی در نقاشی کودکان عقب مانده ذهنی مشخص است. در کودکان عقب مانده ذهنی استقلال در بدست گرفتن قلم، نگرش به اشیای پیرامون همچنین کوشش برای ترسیم یا ثبت آنها کمتر به چشم می خورد. به همین دلیل کودکان عقب مانده ذهنی از درک ارتباط بین اشیاء و محرک های پیرامون خود عاجزند و بدلیل عدم تمرکز فکری، بیقراری و پائین بودن بهره هوشی قادر نیستند تصاویر و اشیاء موجود در محیط را با هماهنگی و تطابق خاص آنها رسم نمایند.

بطور کلی کودکان عقب مانده ذهنی از رنگ آمیزی دقیق و تمرکز زیاد، بسیار زود خسته می شود و نمی تواند در این مورد پایداری از خود نشان دهد. اکثریت این کودکان حالت تنش و بیقراری خود را در کشیدن خطوط با فشار زیادی که به نوک مدادشان وارد می آورند، آشکار می کنند.

نقاشی در کودکان کم توان ذهنی همچون کودکان عادی بسیار مهم است و می تواند به کودک برای درک تجربه ی زیبایی شناختی کمک کند. یادگیری زیبایی شناسانه، به معنای پیوند زدن اندیشه و احساس است. از طریق نقاشی افکار و احساسات ابراز می شوند. همه کودکان کم توان ذهنی نمی توانند هنرمندان بزرگی شوند، ولی می توانند حس زیبایی شناسی را در خودشان پرورش و نمایان سازند. این کودکان پیش از آنکه بتوانند آگاهانه فکر کنند از طریق احساساتشان به دنیای اطراف واکنش نشان می دهند که نقاشی یکی از آنها است. نقاشی حس پنهان انسانهایی است که ما آنها را با معیارهای خودمان کم توان ذهنی فرض می کنیم. این توانمندا می تواند دیدگاه جامعه را در خصوص معلولان به چالش بکشاند. نقاشی، زبان مشترک همه ی انسانهاست.

«اگر زیبا بیندیشیم و زیبا بنگریم، زیبایی پنهان نقاشی کودکان کم توان ذهنی نیز نمایان است.»

♥ نقاشی در کودکان عادی و کودکان کم توان ذهنی

نقاشی وسیله ای بیانی است که به کودک اجازه می دهد، خود را از تنش ها رها کند و این رهایی از دلهره ها و تنش ها زمانی صورت می گیرد که نقاشی از ناخود آگاه کودک سر چشمه گرفته باشد. بنابراین اگر کودک را وادار کنیم نقاشی هایش را بر اساس تعالیم انجام دهد و او را تشویق به کپی کردن از روی مدل های نقاشی کنیم، اشتباه بزرگی مرتکب شده ایم. در نقاشی کودکان خطوط و یا حذف چیزی و به کارگیری رنگ ها همگی حکایت از نشانه ها و علائمی می کنند که هر کدام دارای معانی روشن و واضحی است و بزرگسالان با کمی دقت قادر به مشاهده و تعبیر آن هستند. نادیده گرفتن این موضوع و یا سرکوب کردن این میل



کودک عقب مانده ذهنی از رنگ آمیزی دقیق و تمرکز زیاد، بسیار زود خسته می شود و نمی تواند در این مورد پایداری از خود نشان دهد. اکثریت این کودکان حالت تنش و بیقراری خود را در کشیدن خطوط با فشار زیادی که به نوک مدادشان وارد می آورند، آشکار می کنند

تمام رنگهای دیگر را می توان با مخلوط کردن این ۳ رنگ به نسبت های مختلف بدست آورد.

۲- رنگهای دسته دوم یا رنگهای فرعی که از ترکیب ۳ رنگ اصلی بوجود می آیند، مثلاً اگر دو رنگ قرمز و آبی را مخلوط کنند، رنگ بنفش و از اختلاط قرمز و زرد، رنگ نارنجی و از ترکیب زرد و آبی، رنگ سبز بوجود می آید.

۳- دسته سوم رنگهای میانه که مخلوطی از رنگ اصلی و فرعی است.

کودکان عقب مانده ذهنی در نقاشی هایشان از رنگ های تند استفاده می کنند. کودک عقب مانده ذهنی دو رنگ کاملاً متضاد را کنار یکدیگر قرار می دهد. اگر تصویر زنی را نقاشی کند بدون توجه به هماهنگی رنگ لباس آن را با چند رنگ می پوشاند. مثلاً بلور را آبی دامن را زرد و کفش را به رنگ قهوه ای می کشد. عدم هماهنگی رنگها در نقاشی های کودکان عقب مانده ذهنی نسبت به کودکان سالم محسوس تر است.

در رنگ آمیز شکلها عجله بسیاری نشان می دهند و اشکال را در بیشتر بصورت قالبی و کلیشه ای طراحی می کنند. موضوع دیگری که در نقاشی آنان مشهود می باشد ترسیم اشکال بطور واژگون است.

روانشناسی رنگها

یکی دیگر از مباحثی که در هنر جایگاه مهمی را داراست رنگها و کیفیت هماهنگی آنهاست. در دنیای امروز و در زندگی اکثر جوامع انسانی رنگها از اهمیت ویژه ای برخوردارند و در بسیاری از زمینه های اجتماعی زندگی انسان نقش بسیار مهمی را ایفا می کنند تا جائیکه حتی در وضع غذا خوردن، لباس پوشیدن، هماهنگی اشیاء در محیط، صرف اوقات فراغت در طبیعت و حتی در زمینه درمان بسیاری از اختلالات روانی از آنها کمک گرفته می شود.

بطور کلی رنگها به چند دسته تقسیم می شوند:

۱- رنگهای دسته اول یا رنگهای اصلی که عبارتند از قرمز - آبی - زرد



درمانی کودکان با مشکلات ذهنی قرار گیرد و نیز در مدارس به ویژه ساعات بیشتری به آن اختصاص داده شود. آموزش نقاشی در کودکان با مشکلات ذهنی موجب رشد آنها به لحاظ ذهنی می شود و میزان شناخت و ادراک را در آنها افزایش می دهد و نیز به لحاظ روانی - عصبی آموزش این هنر موجب فعالسازی هر دو نیمکره مغزی می شود.^۱

به همین دلیل تمامی افرادی که با کودکان کم توان ذهنی سروکار دارند و در امر آموزش و توانبخشی آنها همکاری می کنند، باید اهداف لازم برای آموزش نقاشی را تعیین کرده و بر اساس همین اهداف برنامه آموزشی و راهبردهای مورد نظر را تعیین کنند.

تجربه نشان می دهد که ترکیب نقاشی آزاد و گروهی نیز برای کودکان بسیار مفید است. نقاشی یک کودک کم توان ذهنی هم می تواند به اندازه یک کودک عادی به لحاظ جنبه های زیبایی شناختی قوی و پرمحتوا و با مفهوم باشد. چون نقاشی یک استعداد است، که بیشتر از استنباط و منطق ریاضی و IQ به توانایی فرد در زمینه EQ بر می گردد و اینکه یک فرد با این میزان IQ هم اگر آموزش ببیند چون در مرحله آموزش پذیر تقسیم بندی می شود، می تواند اصول اولیه نقاشی، اشکال هندسی، رعایت اندازه و نسبت ها و تناسب و رنگ های اصلی و ترکیبی و ... کامل یاد بگیرد. حتی با این میزان هوش شاید بعضی سبک های نقاشی را هم بتوان به آنها آموزش داد.

منابع:

- ۱- پاکباز، روئین ۱۳۱۸، دایره المعارف هنر (نقاشی، پیکره سازی و هنر گرافیک) تألیف روئین پاکباز - تهران: فرهنگ معاصر ۱۳۷۸.
- ۲- مقدسی، حمیده (۱۳۷۲)، روانشناسی هنر برای کودکان عادی و استثنایی، تألیف حمیده مقدسی - نشر: چاپار فرزندگان.
- ۳- ارزشیابی شخصیت کودکان بر اساس آزمون های ترسیمی دکتر پریخ دادستان - انتشارات رشد - چاپ دوم.
- ۴- مقدم، کاوه، آموزش نقاشی به کودکان کم توان ذهنی، www.noormags.ir، آخرین زمان مراجعه: ۱۳۹۵/۰۹/۰۲.

بدین ترتیب با توجه به رنگی که در نقاشی های کودکان بکار رفته می توان تا اندازه ای به افکار و عواطف آنان پی برد. یکی از راههای شناخت بیماری روانی کودکان و حتی بزرگسالان آزمایش رنگ است.

کودک در رنگ آمیزی هیچ اجباری ندارد که رنگ های پخته را بکار ببرد. او فقط از رنگ هایی استفاده میکند که مورد پسندش باشد و بر حسب سلیقه رنگ های تند یا ملایم را بر می گزیند. کودک در توازن و تقسیم رنگ ها از حس غریزی تعجب آوری برخوردار است و تهوری که در این راه نشان می دهد قابل تحسین و تشویق می باشد. تنها با مشاهده رنگ لوازم و اشیاء نمی توان قدرت درک کودک را نسبت به رنگ ها افزایش داد بلکه بازی با رنگ، بازی یادآوری رنگها، بازی تناسب رنگها با یکدیگر، بازی با کارت شناسایی رنگ نیز نقش موثری دارند. از راه رنگ آمیزی می توان به نقص چشم یا عدم شناخت پاره ای از رنگها در کودکان پی برده آنها را معالجه کرد. در واقع نقاشی کودکان کتابی است جالب و ارزنده که همه این مطالب را می توان در آن خواند و این در صورتی امکان پذیر است که کودک به روش آزاد پرورش یافته باشد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به اهمیت و نقش هنرهای تجسمی به ویژه هنر نقاشی در تشخیص، درمان و آموزش کودکان کم توان ذهنی باید متخصصان، روانشناسان، معلمان، کاردرمانگر و حتی خانواده کودک کم توان ذهنی با اهمیت این موضوع آشنا شوند و از نقاشی به عنوان ابزاری مهم در کمک به حل مشکلات این کودکان استفاده کنند. به همین دلیل برنامه ی آموزش نقاشی باید به طور خاص در برنامه ی



اتفاقی از قضا و انتظاری از قضا

بررسی پرونده‌ی بنیتا از منظر حقوق جزا

محبوبه همایونی، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

این حادثه برای خانواده بنیتا و جامعه ناگوار بوده است اما نباید با فشار به دستگاه قضایی و متشنج کردن جواز مسیر عدالت و قانون خارج شویم. باید اجازه دهیم دستگاه قضایی براساس جمیع شواهد و مدارک جمع‌آوری شده به دور از هیاهو حکمی عادلانه صادر کند. البته توقع افکار عمومی این است که دستگاه قضا خارج از نوبت و با دقت بیشتری رأی بدهد و طبیعتاً کسی می‌تواند حکم درست و متقزی صادر کند که آگاه به همه جزئیات پرونده باشد.

بحث سرقت و آدم‌ربایی

برای استناد و مجرم شناختن هر متهم، نیاز است که سه عنصر در عمل مرتکب وجود داشته باشد، در صورتی که حتی یک رکن از ارکان دارای شبهه باشد در خصوص اتهام وارده باید تردید داشت و نمیتوان جرم را به راحتی مستند به متهم دانست. عناصر سه گانه عبارت اند از: عنصر مادی، معنوی و عنصر قانونی. به زبان بسیار ساده

بنیتا، دختر بچه هشت ماهه‌ای بود که پدرش در ۲۹ تیرماه سال ۹۶ در حالی که خودرو روشن بوده، برای بستن در پارکینگ از خودرو پیاده می‌شود و در این لحظات، مرد جوانی برای سرقت خودرو به سرعت پشت فرمان می‌نشیند و پس از حرکت به صورت دنده عقب وارد خیابان اصلی شده و بلافاصله از محل حادثه متواری می‌شود. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که پدر بنیتا با دیدن این صحنه، خود را به جلوی خودرو می‌اندازد و سعی می‌کند مانع سرقت خودرو و روبروده شدن کودک اش بشود. اما این تلاش‌ها فایده‌ای ندارد و سارق جوان به سرعت پا به فرار می‌گذارد. ماجرای این کودک‌ربایی و سرقت خودرو به مأموران کلانتری ۱۶۹ مشیریه مخابره می‌شود و پس از انجام تحقیقات ابتدایی و ثبت شماره‌ی پلاک خودروی سرقتی در سامانه‌ی سراسری پلیس، ماجرای کودک‌ربایی به باز پرس تحقیقات برای پیدا کردن کودک و کودک‌ربایان آغاز می‌شود. ۷ روز از ماجرای روبروده شدن می‌گذرد و درحالی که همه در انتظار بازگشت بنیتا به خانه‌اش هستند، کشف جسد او باعث بهت و ماتم می‌شود.

در این مقاله سعی شده است کلیه‌ی ابعاد حقوقی این پرونده از منظر حقوق جزا بررسی شود.

اما، قبل از ورود به مسائل حقوقی، لازم است خاطر نشان کنیم؛ هر چند

عنصر مادی همان انجام فعل مجرمانه، عنصر معنوی همان نیت مجرمانه، و عنصر قانونی عملی است که در قانون جزا برای آن مجازات در نظر گرفته شده است.

در خصوص بحث سرعت و آدمربایی تردیدی نداریم که همه‌ی ارکان مادی و معنوی وجود دارد و تنها اختلاف نظری که می‌تواند بین برخی از حقوقدانان باشد در عنصر قانونی است که در خصوص ربایش کودک استناد به ماده ۶۲۱ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات^۱) شود یا استناد به ماده ۶۳۱. تفاوت این ۲ ماده این است که در ماده‌ی ۶۳۱ از لفظ نوزاد تازه متولد شده سخن گفته می‌شود که در این پرونده با توجه به هشت ماهه بودن کودک نمی‌توان این لفظ را اطلاق کرد و به نظر باید به سراغ همان ماده ۶۲۱ برویم. البته در ذیل ماده ۶۲۱ آمده است که اگر سن قربانی کمتر از ۱۵ سال باشد باید دستگاه قضا اشد مجازات را برای کودک را در نظر بگیرد. نظر به اینکه در این پرونده بحث فوت (از اصطلاح قتل به دلیل عدم اثبات استفاده نمی‌شود) مطرح است و مجازات قتل عمد مشدد است بر مجازات آدم ربایی و سرعت خودرو، از این مبحث گذر کرده و به تحلیل فرض قتل پرونده می‌پردازیم.

♥ فرض قتل بودن عمل مرتکب:

در ماده ۲۸۹ قانون مجازات قتل به سه دسته تقسیم شده است. اولاً عمد، ثانیاً شبه عمد و در آخر خطای محض. قتل عمد و شبه عمد شرایطی برای احقاق دارد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد، قتل خطاء محض در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را مانند آنکه تیری به قصد شکاری رها کند و به شخص برخورد نماید، که البته در اینجا خطای

۱. هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حیل یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا بودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم میگردد. تبصره - مجازات شروع به ربودن سه تا پنج

سال حبس است

۲. هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزد یا مخفی کند یا او را بجای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

محض به‌طور کلی منتفی است و باید بین عمد و شبه عمد بودن این قتل نظر داد.

♥ بررسی قتل عمد بودن عمل مرتکب

در ماده‌ی ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، قتل عمد دارای ارکانی دانسته می‌شود که این ارکان به صورت حصری مورد توجه قرار گرفته است و به صورت تمثیلی و مثالی نیست و قاضی برای آنکه قاتل را به قتل عمد متهم کند باید الزاماً رکن مادی را به یکی از بندهای چهارگانه‌ی اشاره شده در این ماده، مرتبط کند.

در بند الف درباره قصد قتل مطالبی عنوان شده که اگر کسی قاصد باشد قتل عمدی است، در اینجا قصد منتفی است زیرا این ۲ متهم قصدشان بدو سرعت خودرو بوده و به موضوع قتل فکر نمی‌کردند. در بند «ب» این ماده گفته می‌شود که فعل متهمان باید نوعاً کشنده باشد و موجب جنایت شود هر چند که مرتکب قصد جنایت نداشته باشد. حال ممکن است برخی در تشریح این پرونده عنوان کنند که عمل این افراد نوعاً کشنده نبوده است و اینکه یک طفلی در گوشه خیابان داخل یک خودرو رها شود کشنده نیست. در حالی که قانون گذار در سال ۹۲ یک بند دیگر به این ماده اضافه کرده است و گفته شاید عمل نوعاً در برابر افراد عادی کشنده نباشد اما همان عمل در برابر افراد خاص و ناتوان کشنده قلمداد شود که در اینجا کودک ۸ ماهه مصداق همین بندی است که قانون گذار اضافه کرده زیرا به دلیل ضعف و ناتوانی نمی‌توانسته است از خود مراقبت کند.

همه‌ی اینها ما را به بند «پ» ماده ۲۹۰ و عمدی قلمداد کردن این قتل سوق می‌دهد هر چند که در تبصره ۲ بند «پ» آمده است قاضی زمانی می‌تواند کسی را به قتل عمد متهم کند که فرد به این موضوع آگاه باشد که عملی که انجام می‌دهد نوعاً کشنده بوده و حتی می‌گوید اگر این موضوع اثبات شود که متهم از کشنده بودن عملش مطمئن نبوده جنایت عمدی نیست. به نظر می‌رسد ادعای متهم این پرونده مبنی بر کشنده نبودن عمل ادعای کذب است، چرا که کودکی هشت ماهه حتی با ضریب هوشی بالا توانایی باز کردن درب خودرو و رهایی از شرایط موجود را ندارد.

برای انتساب قتل هر چند صرفاً فعل مثبت مادی نیازی نیست و ترک فعل هم مصداق دارد، اما راه‌سازی کودکی در یک وضعیت خطرناک خودش فعل مثبت است ضمن اینکه باید به ماده ۶۳۳ قانون تعزیرات^۲ توجه کنیم که در آنجا عنوان شده است هرگاه یک شخصی که قادر به حفاظت از خودش نیست را در جایی که خالی از سکنه است رها کنند چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه به این فرد شود علاوه بر مجازات قاضی می‌تواند متهم را به قصاص محکوم کند. که از این رو می‌توان فهمید این عمل متهمان یک ترک

۳. هرگاه کسی شخصاً یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت خود نمی‌باشد در محلی که خالی از سکنه است رها نماید به حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهد شد و اگر در آبادی و جایی که دارای سکنه باشد رها کند تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود رها کننده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا دیه یا از شش نیز محکوم خواهد شد.

فعل نبوده بلکه یک فعل مثبت بوده است.

با استناد به دو ماده ۲۹۰ و ۶۳۳ در هر دو حالت فاعل به قصاص محکوم خواهد شد.

♥ بررسی قتل غیر عمد بودن عمل متهم یا عدم انتساب قتل

استدلال حقوقی دیگری نیز می‌تواند صحیح باشد دال بر اینکه، در انتساب قتل عمد، تردید است و باید بر غیر عمد بودن آن و یا عدم انتساب بزه قتل بر متهم تاکید کرد:

نظر به اینکه در این پرونده انتساب فعل مادی دارای تردید می‌باشد، قاضی می‌تواند اتهام قتل عمد را رد کند.

«متوجه» بودن، معیار شخصی به ذهن متبادر می‌شود. دوم این که تفسیر مضیق و به نفع متهم هم اقتضای کند که معیار کشنده بودن در بند پ این ماده، معیار شخصی باشد. وقتی معیار شخصی باشد به این معنی است که تشخیص فرد متهم باید این می‌بوده که کودک در این شرایط تاب و توانایی تحمل گرما و فرار از شرایط را ندارد و ممکن است شرایط منجر به مرگ او شود، اما وقتی معیار نوعی باشد یعنی هر فردی از افراد جامعه، عقلا و منطقا می‌تواند درک کند که کودکی در آن شرایط تاب زنده ماندن را ندارد.

بنابر این با آنچه بیان شد به نظر می‌رسد اتهام قتل عمدی صحیح نیست به این دلیل که متهم در زمان رها کردن خودرو آگاه و متوجه آثار و نتایج خود نبوده است. در رابطه با این پرونده، نظرات مخالف و موافق هر دو محترم است لیکن وقتی در مورد یک مسأله این چنینی اختلاف نظر میان صاحب نظران وجود دارد، حداقل بحث ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی که قاعده^۴ در آرای بیان نموده است باید مورد توجه قرار بگیرد و در انتساب قتل عمدی به متهم احتیاط کرد.

♥ نتیجه

لازم است که این موضوعات از منظر روانشناسی، جرم‌شناسی و آسیب‌شناسی امنیت، تحلیل و موضوع آموزش و پیش‌گیری از وقوع جرم پررنگ‌تر شود. دستگاه قضا و نیروی انتظامی باید نسبت به افرادی که در زمره مجرمان خطرناک قلمداد می‌شوند (در این مورد به خصوص که در رسانه‌ها آمده است متهمان سابقه ۱۲۰ تا ۱۳۰ سرقت داشته‌اند) اهتمام بیشتری کنند و سیاست‌های مناسب‌تری را در خصوص مراقبت از این افراد انجام دهند. در ارتباط با این پرونده نظر مخالفان و موافقان انتساب جرم قتل بیان گردید، حقوق عالم اثبات است، از نیت و قصد واقعی مرتکب فقط خود او و خداوند مطلع است، به حق نشستن در مسند قضا و قضاوت کردن بر قصاص یا ادامه حیات یک انسان کار دشواری است، از سویی خانواده داغدار و از سوی دیگر انتظار جامعه و اعتماد مردم نسبت به دستگاه قضایی کشور، اجرای عدالت و دفاع همه جانبه و کلا... هر چند انتساب قتل عمد نزدیک به ثواب به نظر میرسد، اما نظر نهایی و خاتمه این پرونده با قضا است.



در این استدلال باید توجه داشت که بسیاری از افراد نمی‌دانند که بالا بردن شیشه اتومبیل منجر به تشدید به خطر افتادن جان یک نوزاد می‌شود و نمی‌توان صرف این فعل به تنهایی را مکفی اتهام قتل عمدی دانست و در مورد رفتار دوم نیز باید توجه شود که یک شخص در چه شرایطی مرتکب رفتار مجرمانه می‌شود. قید «متوجه» بودن در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ اضافه شده است و به استناد تبصره ۲ همین ماده باید این توجه و آگاهی توسط دادگاه اثبات شود. وقتی یک معتاد خمار در حال سرقت است تا چه میزان می‌تواند نسبت به اقدامات خودش آگاه باشد؟ در این پرونده متهم، بنیتا را در نزدیک یک مغازه ابزار فروشی با درب‌های قفل نشده رها کرده است.

تصور متهم این بوده است که پلیس یا مردم اتومبیل را پیدا خواهند کرد و این میزان از رفتار به این شکل را نمی‌توان قابل تطبیق با بند پ ماده ۲۹۰ دانست چون این شخص نسبت به آثار و نتایج رفتار خویش که می‌تواند کشنده باشد، آگاه و متوجه نیست و چگونه دادگاه، آگاهی و توجه متهم را اثبات کرده است؟

آن‌جا که گفته آگاه باشد را شاید بتوان حمل بر معیار نوعی نمود لیکن با قید

۴. قاعده‌ی در آ از قواعد حاکم بر فقه جزایی است. به موجب این قاعده با وجود تردید در حرمت عمل یا وقوع یا انتصاب آن به متهم یا تردید در علم متهم به حرمت عمل یا ماهیت موضوع نمی‌توان حکم به مجازات داد.

مترسک نابلد!

سهیلا یزدانی



کشاورز چند قدم عقب رفت و سر تا پای مترسک را برانداز کرد. لبخندی زد و گفت: «عجب لولو سر خرمنی شدی! چه هنرمندی بودم و خبر نداشتم. از امروز این مزرعه ذرت رو می سپرم دستت. نبینم کلاغها بیان این جا جولون بدن و مزرعه رو غارت کنن.» مترسک گفت: «این کتی که تنم کردی خیلی زشته! یه لباس بهتر برام بپار! این کلاه رو دوست ندارم، عوضش کن! یه رادیو جیبی دو موج و هندز فری هم می خوام که حوصله ام سر نره.» کشاورز از کوره در رفت و گفت: «چه خورده فرمایش! مگه می خوان عکستو بندازن رو جلد مجله؟! رادیو بی رادیو! بهونه بگیر و کاری رو که گفتم درست انجام بده.» مترسک بادلخوری گفت: «این جور یاست؟! باشه! پس اگه اومدی دیدی کلاغاهمهی ذرت ها رو بردن و خوردن، شاکی نشو! اصلا این جوری من دست و دلم به کار نمیره.» کشاورز کمی مکث کرد و ناگهان خیلی محکم گفت: «تو، اخراجی!» و به سرعت کت را از تن مترسک در آورد و پوشید. کلاهش را برداشت و بر سر خودش گذاشت و بعد مترسک را از زمین کند و به گوشه ای پرت کرد. آن وقت آرام جای مترسک ایستاد، دستانش را باز کرد و گفت: «تا تو باشی دیگه واسه کار فرمات شاخ و شونه نکشی. خودم بلدم لولو سر خرمن بشم، حتی خیلی بهتر از تو.»



ماجان، ماهی در آسمان معلولیت

نگاهی به فیلم ماجان - ساخته‌ی رحمان سیفی آزاد

مژگان همایونی

شروع فیلم به گونه‌ای است که «ماجان» در حال زیر پا گذاشتن شهر و سرزدن به تمام موسسات توانبخشی و نگهداری از کودکان معلول است و بدنبال فرزند خود می‌گردد که توسط همسرش هاشم به یکی از این مراکز سپرده شده است.

او به سختی فرزندش را پیدا می‌کند و به خانه بر می‌گرداند اما با آمدن فرزندش بحران‌های عصبی خانواده شدت می‌گیرد و معضلات زیادی پیش می‌آید. مادر پدر را در تنگنای درونی و روانی می‌بینیم؛ تصورش این است که

نتیجه‌ی گناهانش باعث شده عقوبتش داشتن فرزند معلول باشد و نمی‌تواند حضور پسرش را در خانه تحمل کند و اصرار زیادی دارد که باید کودکش در مراکز توانبخشی نگهداری شود و در مقابل مبارزه‌ی مادری را می‌بینیم که ناکارایی فرزندش را قبول نمی‌کند. این مادر رنج دیده با عاطفه‌ای عمیق می‌خواهد نقایص فرزندش را نبیند و او را به جامعه برگرداند و به همین منظور تلاش زیادی می‌کند و سختی‌های مسیر را با جان می‌خرد تا آموزش‌های توانبخشی را به فرزندش ارائه دهد. در متن فیلم اشاره‌ای به آموزش‌های توانبخشی و مراحل درمان نیز می‌شود که این سکانس‌ها برای آگاهی عموم مردم و خانواده‌هایی که دارای فرزندان معلول هستند بسیار مفید است....

ماجان مادری است از بسیاریان مادران باگذشت و عاشق در دنیا و این سرزمین، که به پای فرزند معلولش هر آنچه در توان دارد با جان و دلش نثار می‌کند و پیام عشق و امید را برای بیننده به ارمغان می‌آورد.



در تاریخ سینمای جهان، فیلم‌های بسیار موفقی در ارتباط با معلولین، مشکلات و البته توانمندی‌های این قشر ساخته شده است. در این شماره‌ی فصلنامه‌ی همدم، به مناسبت ۱۲ آذر و روز جهانی معلولین، فیلم «ماجان» به کارگردانی رحمان سیفی آزاد را که به تازگی در سینماهای کشور اکران شده است، به شما عزیزان معرفی می‌کنیم؛

فیلم «ماجان» تندیس بلورین و سیمرغ از جشنواره‌های داخلی کشور را از آن خود نکرده و به جشنواره‌های جهانی هم راه پیدا نکرده است؛ «ماجان» یک شاهکار سینمایی نیست و شاید مناسب برای فیلم‌های مناسبتی تلویزیون باشد، ولی فیلم شریف و بسیارنجیبی است. فیلم‌نامه‌ای که شاید ذهن بیننده را به سمت فیلم‌های دهه‌ی شصت تا هفتاد سینمای ایران ببرد ولی موضوع انتخابی و

چالش و بررسی در حوزه‌ی معلولین ذهنی جای تقدیر دارد. رحمان سیفی آزاد که تا کنون فیلم‌نامه‌های موفقی چون «خواب‌زده‌ها» و «من مادر هستم» را در کارنامه‌ی هنری‌اش دارد، کارگردانی اولین فیلم سینمایی خود را با مضمون مشکلات اجتماعی و بیشتر از آن فرهنگ جامعه‌شناسی در رابطه با معلولان ذهنی عمیق را ساخته است و این نشان از دغدغه‌ی این مهم و مشکلات معلولان سراسر دنیا در دل و ذهن کارگردان است که شاید رفته رفته داستان معلولیت برای این روزگار تا حدودی کهنه به نظر می‌رسد و در غریبی رها شده است.

«ماجان» فیلمی است ملودرام با نقش‌آفرینی مهتاب کرامتی در نقش «ماجان» که مادر سه فرزند است و پسر کوچک خانواده دچار معلولیت ذهنی عمیق می‌باشد و همراه با فرهاد اصلانی در نقش هاشم، پدر خانواده به ایفای نقش می‌پردازند.

محور اصلی فیلم بر مدار حضور کودکی معلول در خانواده می‌گذرد. گوشه‌ای کوچک از رنج خانواده‌های فرزند دارای معلولیت استثنایی را نشان می‌دهد و اتفاقاتی که در راستای این موضوع رخ می‌دهد و همه مسائل تحت تأثیر کودک معلول و کشمکش و بحث‌های ماجان و هاشم صورت می‌گیرد.



نوعی نگارش در امین آباد

نگاهی به کتاب: «امین آباد شعبه‌ی دیگری ندارد»، از غزال نوعی

مرضیه زیدانلو

مواجهه با وقایع روزمره و هوشمندی ملایم و پیوسته‌ای است که در نگاه و زبان و بیانش، زنجیروار به هم گره می‌خورد و مثل دسته‌ی سینه‌زنی، در خیابانی از درختان و انسان و پرندگان و زنبور خان*، پیش می‌رود. این کتاب را طی ساعاتی که همین در دست داشتم - و البته به دلیل رفتاری‌های متعدد، قاعدتا بیشتر از یکی دو ساعت در روز نبود - هم من خواندم و هم همسر و دخترم. گاهی پیش آمد که دو نفری سروقت کتاب می‌رفتیم و خواهان خواندنش بودیم. دلیلش هم این است که امین آباد، در کنار نثر یک‌دست و ویرایش نسبتاً خوبی که دارد، کتابی شیرین و متنوع است و پاسخگوی سلاقی و سطوح مختلف ذوقی و ادبی. برای همین، چه ذوق و ذهن سیال داشته باشی و دغدغه‌ی پساساختارگرایی و چه خط قرمزت در داستان خوانی، از هزار و یکشب و سندبادنامه و امیرارسلان نامدار فراتر نرود، امین آباد، می‌تواند برایت شعبه‌ای باز کند و متقاعدت کند که ساعاتی دم در این شعبه بنشینی و باز بروی او اوراق، از آمریکا و اروپا تا دویی و ایران، پا به پای غزال نوعی، به نوعی طی الارض کنی. شعبه‌ای که به هیچوجه قصد شعبه‌بازی و داستان‌سازی‌های معمول ندارد، نمی‌خواهد قوت قلم نگارنده را به رخ بکشد، نمی‌کوشد به هر قیمت، قصه‌های مکش مرگ‌مای سانتیمان‌تالیستی زنانه تعریف کند، سعی ندارد تخیلات زن‌مدارانه (به تعبیر معروف فمینیستی و به پیشنهاد من فمینیستی / فمیه‌ریمی‌وار) ببافد و در عین حال، از تمهیدات لازم برای هم‌ذات و همراه کردن مخاطب هم غافل نیست. همسر من می‌گوید کتاب خیلی ساده نوشته شده است و من تاکید می‌کنم که؛ ساده نوشتن، ساده نیست. آنچه در این کتاب برای من از حیث جامعه‌شناختی و روانشناسی فردی و فرهنگ ملی، مغتنم است و جالب می‌نماید، راحتی و بی‌پیرایگی نویسنده

«فرهنگ شرقی از کودکی به ما می‌آموزد که باید برای حفظ خانواده بکوشیم. باید که از خود و خواسته‌های شخصی خود بگذریم، چون نهاد خانواده ارجح است. خواسته یا ناخواسته، این آموزه‌ها در ما ریشه دوانیده‌اند. آنجا که باید حرف بزنیم، سکوت می‌کنیم، آنجا که باید هوار بزنیم، از درون می‌گرییم...» این چند سطر را از صفحه‌ی ۷۸ کتابی حدوداً ۱۵۰ صفحه‌ای انتخاب کرده‌ام به نام: «امین آباد شعبه دیگری ندارد». کتابی که توسط انتشارات آیین ما به چاپ رسیده، آن را غزال نوعی نوشته و در همین سال ۹۶ روانه‌ی بازار کتاب کرده‌است. کتاب غزال نوعی که در مجموع بین خاطره‌نوشت و قصه‌ی کوتاه و یادداشت روزانه و حتی تحلیل و تفسیر جدی از زندگی و فرهنگ ایرانی جماعت، در رفت و آمد است، علاوه بر پیشگفتار، ۲۷ سرفصل دارد و هر بخشش به شرح و بسط تاملی مستقل و در عین حال مرتبط با زندگی نویسنده، اختصاص یافته‌است. آنچه کتاب غزال نوعی را خواندنی می‌کند، علاوه بر صمیمیت و صراحت، این است که: نویسنده‌ی کتاب، با ذوق خاصی اتفاقات مختلف و گاه متضاد را، بر بستری از ملاحظه و مطایبه روایت می‌کند، تا به زعم او، کمک حال مخاطب برای دنبال کردن داستان زندگی‌اش باشد. اما آنچه در این میان بیشتر جلب توجه می‌کند، تمهید نویسنده برای همراه کردن مخاطب نیست، بلکه روانی و راحتی او در



همدم
پاییز ۹۶
۵۹
۵

ادبی روزگار ما جای چندانی ندارد، اما به دلیل صداقت و اصالتش، می تواند زمینه ساز رشد و شکوفایی ذوقی و شکوهی منتظر برای قلم این زن پایمرد (از جنس آنچه برای «جی کی رولینگ» اتفاق افتاد)، باشد.

به خانم نوعی برای نوشتن این کتاب شادباش می گویم و امیدوارم، جاده ی پر پیچ و خم زندگی، برای او به مناظری منتهی شود که هر چه می خواهد دریغ کند جز مجال دقیق تر دیدن، بیشتر دانستن و بهتر نوشتن.

* زنبور خان، عروسک شخصی یا شخصیت عروسکی و ناظر همیشه ی وقایع زندگی نگارنده ی کتاب است.

در برخورد با برخی تابوهای دیرسال بخصوص در حوزه ی مسایل مذهبی است. بخشی از مصداق سخنم رفتارهای رمبو(همسر سابق) و نقدهایی است که خانم نوعی به عنوان نویسنده از این رهگذر به مسایل جاری داخل و خارج ایران دارد.

یادم می آید که خود خانم نوعی در مراسم رونمایی کتابش، در همین ارتباط با مضمونی مشابه گفته بود:

در جامعه ی ما خیلی ها به دلیل تعارفات متعارف، به خودشان جرأت نمی دهند که بنویسند و احساسات شخصی شان را به اشتراک بگذارند، ولی با وجود اینکه همه ملاحظات و ترس هایی دارند، باید این جرأت را به خودمان بدهیم که بر ترس غلبه کنیم و حرفمان را بزنیم....

از منظر من، امین آباد، سرزمین ماست و خانم نوعی، نوعی از نوشتن در این زادبوم ارائه می کند که هر چند از منظر حرفه ای در دسته بندی های

من توانستم، پس می توان...

یادداشت صعود به قله‌ی دماوند

دکتر علی شمس / استادارولوژی و پیوند کلیه دانشگاه مشهد



زمان ۹۶

۶۰



آرزوی هر کوهنوردی در ایران، صعود به قله‌ی دماوند است. من از حدود سال ۱۳۶۸ جزو گروه کوهنوردی «طبیعت» بودم و پزشک گروه.

این گروه در همان سال تشکیل شد. به همت دوستان متعدد از جمله سرهنگ سعیدی، حاج آقاسدی (کاپیتان)، حاج آقای اکبری (بیشکسوت) و چند نفر دیگر و نفر آخر صاحب این قلم.

دوستان این گروه و یا گروه‌های دیگر دائماً به قله‌ی دیگر ایران صعود می کردند، تابستان‌ها به دماوند می رفتند و در دل من آرزوی صعود به قله‌ی دیگر و مخصوصاً دماوند را می کاشتند.

گاهی این خواسته‌ی قلبی و آرزوی باطنی‌ام را به کاپیتان ابراز می کردم ولی ایشان از سر خیر خواهی و یا هر دلیل دیگری که هنوز هم برایم روشن نیست به بنده، دوستانه نهیب می زد:

«قله‌ی دماوند می‌خواهی بری برای چه کار؟»

به دلیل احترام به بیشکسوت، از جواب دادن خودداری می کردم، اصلاً من جوابی نداشتم. بله. «در قله‌ی دماوند چه خبر است؟»

این آرزو وقتی مثل شعله‌های آتش زبانه می کشید که «راننده در بست» می گفت: «ما این دفعه قله‌ی دماوند را از راه دختر دبیرستانی‌ها رفتیم.»

با خودم گفتم: «یعنی من از یک بچه مدرسه‌ای هم کمترم...؟!»

تا این که در تاریخ ۹۵/۵/۲۰ ناگهان، بلی، خیلی ناگهانی و بر حسب تصادف خودم را بالای قله‌ی ۵۶۷۱ متری دماوند دیدم!

اگر از قله کوتاه می‌توانی بالا بروی، برو ولی کم ارتفاعات بیشتر و قله مرتفع ترا طی کن.

اگر می‌توانی روزی یک کیلومتر بدوی هر روز طول مسیر را، کم کم؛ اضافه کن. اگر وزنه‌ی ۳۰ کیلوگرمی را می‌توانی یک ضرب بالای سر بلند کنی و می‌خواهی در مسابقات کشوری و یا جهانی شرکت کنی کم کم به وزنه‌ها اضافه کن.

«کیت فرازی» Keith Ferrazzi نویسنده‌ی کتاب‌های پر فروش نیویورک تایمز، با عنوان «چه کسی هوای شما را دارد» درباره‌ی این کتاب می‌نویسد: «این کتابی است که جویندگان موفقیت باید آن را بخوانند. می‌خواهید بدانید باید چه کاری انجام دهید؟ تمام پاسخ‌هایتان در این کتاب است. این کتاب دستورالعمل موفقیت است.»

از دانایان علم‌الادیان شنیده‌ام که در مثل مناقشه نیست، گروه کوهنوردی طبیعت مشهد نیز مانند دین مبین اسلام شاخه شاخه شده است. هر کدام به راهی می‌روند و هر کدام کاپیتانی دارند. اما همه قبول دارند که کاپیتان اصلی یکی است و فقط در مناسبت‌ها همه زیر گروه‌ها دور هم جمع می‌شوند، مخصوصاً اگر مناسبتش جوجه باشد و آن هم صبح جمعه در کوه و یا قیمه پلو باشد در روستای رادکان، محل شروع آموزش‌گاری خاتم‌الاصوات «محمد رضا شجریان» (سیاوش).

فروردین این سال (۱۳۹۵) کتاب «اثر مرکب» نوشته دارن هاردی آمریکایی؛ ترجمه اکبر عباسی و شاهین بیات به دستم رسید و از «ب» بسم‌الله تا «نون» پایانش را خواندم.

خواندن این کتاب یأس و ناامیدی را از وجودم پاک کرد. مثل انسانی که به قول مرحوم آیه‌الله بهجت به زیارت امام رضا (ع) می‌آید و تمام گناهانش پاک می‌شود. این کتاب تعلیم می‌دهد که تدریجاً به ارتفاع قله بیفزایی.

یکی از این گروه‌ها را آقای علی عابدی راهنمایی می‌کند و خوب راهنمایی می‌کند. در کوهنوردی باید هوای آخر صاف را داشت. دسته‌جمعی حرکت کرد. با برنامه و منظم راه پیمود. شناخت از منطقه داشت و این مشخصات و بهتر از این‌ها در این مرد جوان هست.

تصمیم گرفتند در مرداد ماه ۹۵ به دماوند بروند. هم‌زمان گروه کوهنوردی نظام پزشکی هم که سرپرستش خانم دکتری توانا، منظم و پشت‌کاردار است نیز، قصد دماوند داشت، اما به شرطها و شروطها و بنده نبودم از شروطها. چرا؟ باید دو هفته قبل برای آخرین آمادگی به قلّه‌ی شیرباد می‌رفتیم و من به دلایلی نرفتم. برای کوهنوردی لباس مناسب داشتیم، ولی خانم دکتر راهنمایی کرد که باید عینک آفتابی و کاپشن مخصوص و چه و چه بخرم. حدود ۲-۱/۵ میلیون تومان تو پاچه‌ام شد!!

تازه بدون پوتین مخصوص کوه که قبلاً از ملبورن خریده بودم. بانر ۳-۲ سال قبل: یک میلیون تومان.

مطب، تعطیل، عمل جراحی تعطیل.

با هواپیما به تهران رفتیم و از آنجا با سواری به رینه.

دوستان ماهم که سه خانم و آقا و یک آقا بودند با قطار به تهران رفتند و از آنجا به رینه.

رینه، یکی از شهرهای نزدیک دماوند است. شهری در ۷۹ کیلومتری جاده هراز (جاده آمل به تهران).

در این شهر، فدراسیون کوهنوردی یک قرارگاه دارد. محلی برای استراحت. یک شب مهمان آنها بودیم. مردان در یک اطاق و خانم‌ها هم در یک اطاق دیگر، مسجدی وار؛ شب را به روز رساندیم. صبحانه سبک صرف شد، سپس یک وانت نیشان کرایه کردیم و کوله‌ها و خودمان داخل وانت سوار شدیم و به گوسفندسرا یا مسجد صاحب‌الزمان (عج) رفتیم.

در این محل کوله‌های بزرگ را سوار قاطرها کردیم و خودمان کوله‌ی حمله به پشت، پیاده طی چهار ساعت خودمان را به پناهگاهی در ارتفاع ۴۲۰۰ متری رساندیم.

در این پناهگاه، رستوران هم بود. سوپر هم داشت. میز و صندلی هم بود. غذای برنج‌دار هم بود، سوپ و چای هم مشتری فراوان داشت، یکی هم خود ما. دستشویی، توالت هم بود و کثیف. یاد Table Mountain (کوه میز مانند) ژوهانسبورگ افتادم. کوهی تمیز و قلّه‌اش شبیه میز. یک میز بزرگ و تمیز. گله به گله دستشوئی‌هایی تمیز با آب لوله‌کشی و ایضاً بوزینه‌ها.

نزدیک غروب که خورشید خانم می‌خواست در پشت کوه‌ها قایم شود از کوه بالا رفتیم برای هم‌هوایی. یا عادت به هوای کم‌اکسیژن در ارتفاعات. شب در چادر یکی از هم‌نوردان، مهمان بودم. هوای آن شب بس ناجوانمردانه سرد بود.

ساعت ۵ صبح استارت قلّه را زدیم. کاپیتان چادر به چادر می‌رفت و مثل فرمانده‌ای که به سربازانش سر می‌زد به ما سر زد و هی خواهش توأم با دستور صادر می‌کرد که سریع باشید.

وسط راه، یعنی در ارتفاع ۵۳۰۰ متری حال یکی از هم‌نوردان قدیمی و با سابقه بهم خورد. هم خودش و هم کاپیتان صلاح ندانستند که به قلّه بیاید. راه بازگشت را در پیش گرفت. کاپیتان از من هم که ستم از دیگران بیشتر بود سؤال

کرد و در واقع اتمام حجت کرد که اگر توان بالا آمدن را در خود احساس نمی‌کنید از همین جابر گردید، زیرادر آن صورت نظم گروه بهم می‌خورد.

همان نیروئی که مرا بالای دماوند گذاشت، جوابش را داد: «من می‌توانم».

در مسیر حوادث جالبی دیدیم؛

خانم و دختر کرواسی‌بانی. آقای آلمانی، آقای از آمریکای جنوبی، از سوئد و...

از کشورهای عرب‌زبان کسی ندیدم.

خانم کرواسی به من روحیه می‌داد و می‌گفت: «تو شجاعی، تو می‌توانی».

یکی از همین اروپائی‌ها پلاستیک بزرگی به دست داشت و زباله‌ها را که در اطراف پخش و پلا شده بود جمع می‌کرد و گلایه داشت از این رفتار ناپسند.

بنده خدانمی‌دانست برخی از همین ما ایرانیان، آشغال‌ها، پوست تخمه و پسته خودمان را از خودرو به بیرون می‌اندازیم. ما می‌رفتیم و عده زیادی قلّه را پیموده و فاتحانه بر می‌گشتند، به قول عطار:

هفت شهر عشق را عطار گشت ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم

برخی می‌گفتند ما در روز تا وسط راه آمدیم ولی به علت بدی آب و هوا از نیمه راه برگشتیم. حالا آنها فاتحانه بر می‌گشتند. از اصول محکم و خلل‌ناپذیر کوهنوردی توقف و برگشت از محلی است که به دلیل آب و هوا یا قدرت جسمی و یا سختی فوق‌العاده مسیر، امکان رفتن نیست؛ زیرا در کوه یک اشتباه، آخرین اشتباه است (ضرب‌المثل کوهنوردان).

ساعت ۴ بعد از ظهر روی قلّه بودیم. به همین راحتی.

به خاک افتادم و سجده شکر بجا آوردم.

ضرب‌المثل‌های ما واقعاً نغز و پر معنا است. یکیش همین که: «آرزو بهر جوانان عیب نیست».

نشستن این بنده، روی ارتفاع ۵۶۷۱ متری از سطح دریا، تحقق همین شعار است.

لطف خدا بود و خواندن کتاب «اثر مرکب» که چون مهمیز به اراده‌ی من می‌کوبید که: «می‌توانی» و به لطف حق: «توانستم».

عکس یادگاری دسته‌جمعی در کنار یادبود فلزی مخصوص قلّه‌ی دماوند گرفتیم و به امر کاپیتان عابدی به سرعت راه بازگشت را طی کردیم.

آفتاب از آسمان پر کشیده بود و ستاره‌ها کم‌کم از خانه‌های خود بیرون می‌آمدند و سکوت بود و سکوت.



جایی در آستانه‌ی آسمان... ♥

(نگاهی به تاریخچه‌ی همدم؛ از گذشته تا امروز)



علی اکبر علیزاده، مهندس علی کافی و جعفر شیرازی نیا، دیگر اعضای هیئت مدیره‌ی همدم هستند.

فرزندان تحت حمایت همدم، همگی دختر بی سرپرست یا بد سرپرست‌اند. این مؤسسه در ابتدای واگذاری ۱۸۶ مددجو و ۹۳ کارمند رسمی مامور به خدمت داشت. این رقم در حال حاضر به ۴۰۰ مددجو و قریب ۱۵۰ نیروی قراردادی، افزایش یافته است.

این روزها؛ فرزندان این خانه، بر اساس نوع معلولیت یا شرایطشان در دو ساختمان مستقل و مجزا زندگی می‌کنند: ساختمان شماره‌ی ۱ (فتح المبین) به مساحت ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ متر مربع و زیر بنای حدود ۶۸۰۰ متر مربع، محل نگهداری و آموزش معلولین ذهنی عمیق و دختران تربیت پذیر است و ساختمان شماره‌ی ۲ (مرکز شهید حمید شاهید)، به مساحت ۲۶۰۰ متر مربع و زیر بنای ۳۵۰۰ متر مربع محل زندگی دختران آموزش پذیر و خانه‌ی کوچک پناهگاهی است. مددجویان ۷ تا ۱۲ ساله‌ای که مرکز با آمدنشان افتتاح شده بود، حالا در سنین ۵ تا ۶۰ سالگی هستند و در پنج زیر مجموعه نگهداری می‌شوند:

- سرای مهر؛ محل نگهداری فرزندان کم توان ذهنی عمیق
- تربیت پذیر؛ محل نگهداری فرزندان کم توان ذهنی متوسط
- آموزش پذیر؛ محل نگهداری فرزندان کم توان ذهنی خفیف
- خانه‌ی پناهگاهی؛ محل نگهداری فرزندان آموزش پذیر در سنین ۵ تا ۱۲ سال
- مرکز آموزش روزانه

مددجویان مؤسسه‌ی همدم، به‌طور همزمان از امکانات و خدمات مختلفی برخوردارند، از جمله:

- استفاده از خدمات توانبخشی از قبیل: فیزیوتراپی، گفتار درمانی و کاردرمانی.
- حضور در فعالیت‌های مختلف ورزشی برای دستیابی به حداکثر توانمندی جسمی.
- شرکت در کارگاه‌های هنری از قبیل گلیم بافی، گلسازی، سوزن دوزی، سرمه دوزی و فرشینه.

بدیهی است که فراهم ساختن فضایی شبیه خانه برای دختران این مرکز، هزینه‌های سنگینی به دنبال دارد. در حال حاضر، برای هر مددجو، ماهانه بیش از ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال هزینه می‌شود که یارانه‌ی دریافتی از سازمان بهزیستی تنها حدود یک سوم این هزینه را تأمین می‌کند. دوسوم دیگر، با کمک‌های مردمی تأمین می‌شود. مردمی که تقسیم‌کننده‌ی خیر و خوبی و برکت‌اند و روی پیاده‌روها، به دنبال گام‌هایشان، همیشه خط روشنی باقی است... مردمی که در شناسنامه‌هایشان نام آشنای شما می‌درخشد.

زمین خدا وسیع و هوشیار و خوشبخت است... اما بعضی تکه‌های زمین خدا خوشبخت‌ترند چون می‌شود نردبانی روی آن گذاشت و از درخت آسمان بالا رفت...

در گوشه‌ای از شهر مشهد، تکه زمینی قرار دارد، خوشبخت؛ جایی در آستانه‌ی آسمان... محل ازدحام دل‌های مهربان... جایی پر از آرزو... پر از ذهن‌های سپید و بی‌فریب...

سال ۱۳۶۱ بود که تکه‌ای از زمین خدا، به اندازه‌ی ۱۰۰۰۰ متر مربع، سهم دختران کم توان ذهنی شد تا در آنجا زندگی کنند، آموزش ببینند، خدمات توانبخشی دریافت کنند و چند قدم به آرزوهایشان نزدیک‌تر شوند. این مکان که ابتدا مؤسسه‌ی فتح المبین نام گرفت و سپس با «خیریه‌ی همدم» کامل شد، کارش را تحت پوشش سازمان بهزیستی با پذیرش ۶۰ دختر شروع کرد.

از سال ۱۳۸۰، نوع مدیریت مجموعه به شیوه‌ی هیئت‌امنائی تغییر یافت که اتفاق مبارکی بود. از همان سال، اعضای هیئت امنا که همگی از خیرین و نیک‌اندیشان شناخته شده‌اند، با تمام همت و نیرو، در جهت بهتر شدن شرایط دختران همدم، گام برداشته‌اند.

اقدامات موثری مثل؛ تجهیز، بازسازی و نوسازی بخش‌های مختلف مجموعه، راه‌اندازی سیستم‌های هواساز، احداث سالن‌های همایش و نمازخانه، لاندی و تهویه و همچنین تکمیل و بهره‌برداری از ساختمان شهید شاهید برای کودکان آموزش پذیر، در کارنامه‌ی این نیکوکاران می‌درخشد. در سال ۱۳۸۴ مؤسسه به‌طور کامل از سازمان بهزیستی مستقل و تحت عنوان «خیریه‌ی توانمندسازی و حمایت از معلولین» به هیئت امنا واگذار گردید.

هیئت مدیره‌ی مؤسسه، هفت عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل دارد: حاج اکبر صابری فر (رئیس هیئت مدیره)، مهندس حمید طیبی (نائب رئیس)، دکتر زهره حجت (مدیرعامل مؤسسه) و آقایان حسین محمودی،



References

- Wilmshurst, Linda (2012). "general+learning+disability" Clinical and Educational Child Psychology an Ecological-Transactional Approach to Understanding Child Problems and Interventions. Hoboken: Wiley. p. 168. ISBN 9781118439982.
- Tidy, Colin (25 January 2013). "General Learning Disability". Patient.info. The term general learning disability has now been recommended in the UK to replace terms such as mental handicap or mental retardation.
- "Rosa's Law" (PDF). Washington, D.C.: U.S. G.P.O. 2010. Retrieved 13 September 2013.
- Ansberry, Clare (20 November 2010). "Erasing a Hurtful Label From the Books". New York: Wall Street Journal. Retrieved 4 December 2010. Decades-long quest by disabilities advocates finally persuades state, federal governments to end official use of 'retarded'
- Daily DK, Ardinger HH, Holmes GE (February 2000). "Identification and evaluation of mental retardation". *Am Fam Physician* 61 (4): 1059–67, 1070. PMID 10706158.
- Global Burden of Disease Study 2013, Collaborators (5 June 2015). "Global, regional, and national incidence, prevalence, and years lived with disability for 301 acute and chronic diseases and injuries in 188 countries, 1990-2013: a systematic analysis for the Global Burden of Disease Study 2013". *Lancet* (London, England). doi:10.1016/S0140-6736(15)60692-4. PMID 26063472.
- Cummings, Nicholas A.; Rogers H. Wright (2005). "Chapter 1, Psychology's surrender to political correctness". Destructive trends in mental health: the well-intentioned path to harm. New York: Routledge. ISBN 0-415-95086-4.
- American Psychiatric Association (2013). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders* (Fifth ed.). Arlington, VA: American Psychiatric Publishing. ISBN 978-0-89042-555-8. Lay summary (15 July 2013).
- Salvador-Carulla L, Reed GM, Vaez-Azizi LM, et al. (October 2011). "Intellectual developmental disorders: towards a new name, definition and framework for "mental retardation/intellectual disability" in ICD-11". *World Psychiatry* 3 (10): 175–180. PMC 3188762. PMID 21991267.
- John Cook (5 July 2001). "The "R" Word". *Slate Magazine*.
- Badano, Jose L.; Norimasa Mitsuma; Phil L. Beales; Nicholas Katsanis (September 2006). "The Ciliopathies: An Emerging Class of Human Genetic Disorders". *Annual Review of Genomics and Human Genetics* 7: 125–148. doi:10.1146/annurev.genom.7.080505.115610. PMID 16722803. Retrieved 2008-06-15.
- Siderius LE, Hamel BC, van Bokhoven H, et al. (2000). "X-linked mental retardation associated with cleft lip/palate maps to Xp11.3-q21.3". *Am. J. Med. Genet.* 85 (3): 216–220. doi:10.1002/(SICI)1096-8628(19990730)85:3<216::AID-AJMG6>3.0.CO;2-X. PMID 10398231.
- Laumonnier F, Holbert S, Ronce N, et al. (2005). "Mutations in PHF8 are associated with X linked mental retardation and cleft lip/cleft palate". *J. Med. Genet.* 42 (10): 780–786. doi:10.1136/jmg.2004.029439. PMC 1735927. PMID 16199551.
- McNeil, Donald G., Jr. (2006-12-16). "In Raising the World's I.Q., the Secret's in the Salt". *The New York Times*. Retrieved 2009-07-21.
- Wines, Michael (2006-12-28). "Malnutrition Is Cheating Its Survivors, and Africa's Future". *The New York Times*. Retrieved 2009-07-21.
- Sundaram SK, Sivaswamy L, Makki MI, Behen ME, Chugani H (2008). "Absence of arcuate fasciculus in children with global developmental delay of unknown etiology: a diffusion tensor imaging study". *J Pediatr* 152 (2): 250–5. doi:10.1016/j.jpeds.2007.06.037. PMID 18206698.
- Lawyer, Liz (2010-11-26). "Rosa's Law to remove stigmatized language from law books". *Ithaca, New York: The Ithaca Journal*. Retrieved 2010-12-04. The resolution ... urges a change from the old term to "developmental disability"
- Mash, E., & Wolfe, D. (2013). *Abnormal child psychology*. (5th ed., pp. 308-313). Wadsworth Cengage Learning.
- Hodapp, R.M., & Burack, J.A. (2006). Developmental approaches to children with mental retardation: A second generation? In D. Cicchetti & D. J. Cohen (Eds.), *Developmental psychopathology*, Vol. 3: Risk, disorder, and adaptation (2nd ed., pp. 235-267). Hoboken, NJ: Wiley.
- Ramey S.L., Ramey C.T. (1992). "Early educational intervention with disadvantaged children—To what effect?". *Applied and Preventive Psychology* 1: 131–140. doi:10.1016/S0962-1849(05)80134-9.
- Campbell F.A., Ramey C.T., Pungello E., Sparling J., Miller-Johnson S. (2002). "Early childhood education: Young adult outcomes from the Abecedarian Project". *Applied Developmental Science* 6: 42–57. doi:10.1207/s1532480xads0601_05.
- Matson J.L., Matson M.L., Rivet T.T. (2007). "Social-skills treatments for children with autism spectrum disorders: an overview". *Behavior Modification* 31 (5): 682–707. doi:10.1177/0145445507301650. PMID 17699124.
- Van der Schuit M, Segers E, van Balkom H, Verhoeven L (2011). "Early language intervention for children with intellectual disabilities: a neurocognitive perspective". *Research in Developmental Disabilities* 32 (2): 705–12. doi:10.1016/j.ridd.2010.11.010.
- Kemp C., Carter M. (2002). "The social skills and social status of mainstreamed students with intellectual disabilities". *Educational Psychology* 22: 391–411. doi:10.1080/0144341022000003097.
- Siperstein G.N., Glick G.C., Parker R. (2009). "The social inclusion of children with intellectual disabilities in an out of school recreational setting". *Intellectual and Developmental Disabilities* 47 (2): 97–107. doi:10.1352/1934-9556-47.2.97.
- Hay I., Elias G., Fielding-Barnsley R., Homel R., Freiberg K. (2007). "Language delays, reading delays and learning difficulties: Interactive elements requiring multidimensional programming". *Journal of Learning Disabilities* 40 (5): 400–409. doi:10.1177/00222194070400050301.
- Bagner D.M., Eyberg S.M. (2007). "Parent-child interaction therapy for disruptive behavior in children with mental retardation: A randomized controlled trial". *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology* 36: 418–429. doi:10.1080/15374410701448448.
- Kalachnik, JE.; Hanzel, TE.; Sevenich, R.; Harder, SR. (Sep 2002). "Benzodiazepine behavioral side effects: review and implications for individuals with mental retardation". *Am J Ment Retard* 107 (5): 376–410. doi:10.1352/0895-8017(2002)107<0376:BBSERA>2.0.CO;2. ISSN 0895-8017. PMID 12186578.
- Wickham, Parnell. *Encyclopedia of Children and Childhood in History and Society*. Retrieved 8 October 2010.
- Roy Porter; David Wright (7 August 2003). *The Confinement of the Insane: International Perspectives, 1800-1965*. Cambridge University Press. ISBN 978-0-521-80206-2. Retrieved 11 August 2012.
- Armbruster, Margaret E. (1992). *The Civitan Story*. Birmingham, AL: Ebsco Media. pp. 74–75.
- Wolf Wolfensberger (January 10, 1969). "The Origin and Nature of Our Institutional Models". *Changing Patterns in Residential Services for the Mentally Retarded*. President's Committee on Mental Retardation, Washington, D.C.
- "The ARC Highlights — Beyond Affliction: Beyond Affliction Document". *Disabilitymuseum.org*. Retrieved 2010-06-29.
- "Christmas in Purgatory & Willowbrook". *Arcmass.org*. Retrieved 2010-06-29.
- "Fernald School Closing and RICCI Class". *Arcmass.org*. Retrieved 2010-06-29.
- "cretin". *The American Heritage Dictionary of the English Language*, Fourth Edition. Houghton Mifflin Company. 2006. Retrieved 2008-08-04.
- Howard-Jones, Norman (1979). "On the diagnostic term "Down's disease"". *Medical History* 23 (1): 102–04. doi:10.1017/s0025727300051048. PMC 1082401. PMID 153994.
- "Worst Word Vote". *Ouch. BBC*. 2003. Archived from the original on 2007-03-20. Retrieved 2007-08-17.
- "SpecialOlympics.org". *SpecialOlympics.org*. Retrieved 2010-06-29.
- "R-Word.org". *R-Word.org*. 2010-06-18. Retrieved 2010-06-29.
- "Frequently Asked Questions on Intellectual Disability". *American Association on Intellectual and Developmental Disabilities (AAIDD)*. Retrieved 12 September 2013. The term intellectual disability covers the same population of individuals who were diagnosed previously with mental retardation in number, kind, level, type, duration of disability, and the need of people with this disability for individualized services and supports.
- Chakrabarti S, Fombonne E (2001). "Pervasive developmental disorders in preschool children". *JAMA* 285 (24): 3093–9. doi:10.1001/jama.285.24.3093. PMID 11427137.
- "mencap". Retrieved 2010-12-07. Website of the UK's leading learning disability charity, which uses that term throughout.
- "Learning Disabilities: Prevalence". *Social Work, Alcohol & Drugs. University of Bedfordshire*. Retrieved 2014-10-18.
- "Special Educational Needs and Disability: A. Cognition and Learning Needs". *teachernet*. Archived from the original on 2010-05-01. Retrieved 2010-12-08.
- Vickerman, Philip (2009-07-08). "Severe Learning Difficulties". *Teacher Training Resource Bank*. Retrieved 2014-10-19. Extensive further references.
- "Draft Illustrative Code of Practice" (PDF). Retrieved 2007-08-23.
- Rohrer, Finlo (2008-09-22). "UK | Magazine | The path from cinema to playground". *BBC News*. Retrieved 2010-06-29.
- Beckford, Martin (2010-03-11). "Ofcom says TV channels have 'human right' to broadcast offensive material". *Telegraph*. Retrieved 2010-06-29.
- "Australian Psychological Society: Psychologists and intellectual disability". *Psychology.org.au*. Retrieved 2010-06-29.
- Cooney G, Jahoda A, Gumley A, Knott F (June 2006). "Young people with intellectual disabilities attending mainstream and segregated schooling: perceived stigma, social comparison and future aspirations". *J Intellect Disabil Res* 50 (Pt 6): 432–44. doi:10.1111/j.1365-2788.2006.00789.x. PMID 16672037.
- Centers for Disease Control and Prevention (CDC) (January 2004). "Economic costs associated with mental retardation, cerebral palsy, hearing loss, and vision impairment—United States, 2003". *MMWR Morb. Mortal. Wkly. Rep.* 53 (3): 57–9. PMID 14749614.
- Krahn GL, Fox MH. (2013). "Health disparities of adults with intellectual disabilities: what do we know? What do we do?". *Journal of Applied Research in Intellectual Disability* 27 (5): 431–446. doi:10.1111/jar.12067.
- Haider SI, Ansari Z, Vaughan L, Matters H, Emerson E. (2013). "Health and wellbeing of Victorian adults with intellectual disability compared to the general Victorian population". *Research in Developmental Disabilities* 34 (11): 4034–4042. doi:10.1016/j.ridd.2013.08.017. PMID 24036484.





Diagnosis

According to the fifth edition of the Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM-IV), three criteria must be met for a diagnosis of intellectual disability: deficits in general mental abilities, significant limitations in one or more areas of adaptive behavior across multiple environments (as measured by an adaptive behavior rating scale, i.e. communication, self-help skills, interpersonal skills, and more), and evidence that the limitations became apparent in childhood or adolescence. In general, people with intellectual disability have an IQ below 70, but clinical discretion may be necessary for individuals who have a somewhat higher IQ but severe impairment in adaptive functioning.

It is formally diagnosed by an assessment of IQ and adaptive behavior. A third condition requiring onset in childhood is used to distinguish intellectual disability from dementia such as Alzheimer's disease or due to traumatic brain injuries.

Intelligence quotient

The first English-language IQ test, the Stanford-Binet Intelligence Scales, was adapted from a test battery designed for school placement by Alfred Binet in France. Lewis Terman adapted Binet's test and promoted it as a test measuring "general intelligence." Terman's test was the first widely used mental test to report scores in "intelligence quotient" form ("mental age" divided by chronological age, multiplied by 100). Current tests are scored in "deviation IQ" form, with a performance level by a test-taker two standard deviations below the median score for the test-taker's age group defined as IQ 70. Until the most recent revision of diagnostic standards, an IQ of 70 or below was a primary factor for intellectual disability diagnosis, and IQ scores were used to

categorize degrees of intellectual disability.

Since current diagnosis of intellectual disability is not based on IQ scores alone, but must also take into consideration a person's adaptive functioning, the diagnosis is not made rigidly. It encompasses intellectual scores, adaptive functioning scores from an adaptive behavior rating scale based on descriptions of known abilities provided by someone familiar with the person, and also the observations of the assessment examiner who is able to find out directly from the person what he or she can understand, communicate, and such like. IQ assessment must be based on a current test. This enables diagnosis to avoid the pitfall of the Flynn Effect, which is a consequence of changes in population IQ test performance changing IQ test norms over time

Epidemiology

Intellectual disability affects about 2–3% of the general population. 75–90% of the affected people have mild intellectual disability. Non-syndromic or idiopathic ID accounts for 30–50% of cases. About a quarter of cases are caused by a genetic disorder. Cases of unknown cause affect about 95 million people as of 2013.

Distinction from other disabilities

Clinically, intellectual disability is a subtype of cognitive deficit or disabilities affecting intellectual abilities, which is a broader concept and includes intellectual deficits that are too mild to properly qualify as intellectual disability, or too specific (as in specific learning disability), or acquired later in life through acquired brain injuries or neurodegenerative diseases like dementia. Cognitive deficits may appear at any age. Developmental disability is any disability that is due to problems with growth and development. This term encompasses many congenital medical conditions that have no mental or intellectual components, although it, too, is sometimes used as a euphemism for intellectual disability.



Board of Trustees method, which was a good event. The Board of Trustees is all donors and benevolent human beings and with their all vigor and effort try to improve the conditions of these beloved girls. Some of the effective steps that have been done include: tooling up, rebuilding, and reconstruction of the different parts of the Charity, installation of air conditioning system, a laundry room, ventilation system and furthermore, completion and utilization of Shahid Shahid Building.

In 2006, the Charity separated from the Welfare Organization and assigned to the Board of Trustees under the name of Charity of empowerment and support of the disabled. The Board of Trustees consists of 17 members: 2 alternate members and 7 members of the Board of Directors. The members are: Mr. Akbar Saberi Far (Chairman), Mr. Hamid Tayebbi (Vice President), Dr. Zahra Hojjat (Director of the Charity), Mr. Ali Kafi, Mr. Ali Akbar Alizade, and Jafar Shiraziniya are the other members of the Board of Directors, and the head of the Rehabilitation Center is Mr. Shirzinia.

Around 400 unattended or without an efficient guardian live in the Charity now. Approximately, 150 employees and nearly 2000 social workers do services and care to these dear girls round the clock. Hamdam Fatholmobin is composed of these parts:

1. Special care with the IQ: 25 around 70 girls
2. Trainable with the IQ: 35-50 around 132 girls

3. Educable with the IQ: 50-80 roughly 136 girls

4. A small shelter around 20 students

5. Daily, educable nearly 50 girls

The girls of this Charity utilize several facilities and services simultaneously. Rehabilitation services such as physiotherapy, speech therapy, occupational therapy, various exercises for getting the maximum physical strength, participating in different art workshops including: carpet weaving, needlework, embroidery and providing a situation like the real life for the girls of this Charity cost too much.

Approximately, 12,000,000 rials is paid for the expenses of each girl. The subsidy of the Welfare Organization does not suffice and therefore several philanthropists pay the remainder of the expenses. Under the shoes of these benevolent humans remains a golden trace on the sidewalk... somewhere on the luckiness of earth.



A Status Report of Fatholmobin- Hamdam Rehabilitation Charity

Some of the patches of God's earth are luckier than the other parts since you can put some ladders in it and climb the heavens' sky... God's earth is so vast. God's earth is conscious. When plenty of human beings, from one spot on the earth, make their wishes, the purity of that spot grows... The Lord will get kinder to them...

In a corner of Mashhad, there is a piece of land full of wishes of innocent and naïve minds... It was 1982 that a patch from God's earth (10000 square meters) was constructed for the girls with mental disability in order to reside there, get education, receive rehabilitation services, and get closer to their wishes.

Hamdam Fatholmobin Rehabilitation Charity began its work under the supervision of Welfare Organization by adopting 60 girls. In 2002, the administration method of the Charity changed to



Hamdam

Internal Journal of Fatholmobin Rehabilitation Charity

People who seek (search) for peace and joy in their lives they can find it in helping other people and this has nothing to do with wealth, but it depends on their views to life. In their opinion there is not any stranger on earth and all humans are the members of God's family..

Hamdam is the message from all the girls of FatholMobin to those who smiles as a friend ...



ISO9001:2015

Quality Managment System



You are our friends
any where in the world



همدم
موسسه خیریه توانبخشی
فتح المبین

همه‌ی مردم دوست ما



ISO9001:2015
Quality Management System

مسکن کارت: ۴۰۶۰ ۶۰۵۰ ۲۳۱۴ ۶۲۸۰ | جام ملت: ۳۹۰۰۰۰۲۲/۹۶ |
مشهد، خیام شمالی، عبدالمطلب ۵۸ |
تلفن: ۱۳-۳۷۱۱۲۱۱۱-۰۵۱ | روابط عمومی: ۳۷۱۲۱۱۲۱-۰۵۱ | پاسخگویی شبانه روزی: ۰۹۳۵۱۲۵۶۲۶۲ |
سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۰۲۶ | مشارکت آنلاین: www.hamdam.org | مهربانی با همراه: #۴۰۰۴۰۰*۴*۷۳۳* |
@hamdamcharity | @hamdam.charity

♥ برای احترام به طبیعت و صرفه جویی در هزینه‌ها، تیراژ کمتری از مجله چاپ می‌شود. لطفا بعد از مطالعه در اختیار دوستانتان قرار دهید.

